



هدی

نشریه الکترونیکی هدی
[سیاسی_فرهنگی]
ویژه نامه

پیشرانان مقاومت

فلسطین و لبنان دو قطب جبهه مقاومت،
پیشتاز در عرصه‌ی نبرد با اسرائیل



نشریه الکترونیکی هدی
[سیاسی-فرهنگی]
ویژه نامه
پیشرانان مقاومت
فلسطین و لبنان دو قطب جبهه مقاومت،
پیشگام در مصلحتی نبود با اسرائیل



فهرست

سرمقاله

۱

۲	لبنان، پنجه زیر گلوئ اسرائیل / فاطمه قاسم زاده
۳	مصاحبه / سهیلا وزیري مهر
۴	تاریخ در انتظار پایان / سعید رحمتی کهخا
۴	آتش خشم انقلابی / حمید رضا سالاری
۶	یک مادر تمام عیار / ریحانه نوری
۷	حقیقت سمیر / فاطمه اله بخش
۹	سهم شما به اندازه یک سطل آب / رضا آبار
۹	بزرنگاه تاریخی / کوثر کشاورز
۱۲	هضم مهاجم به سبک توده سرطانی / مرضیه صوفی
۱۴	انعکاس قدرت و حکمت / فائقه حسینی
۱۵	بیدار شو! مسئولیت اجتماعی تو فراتر از حرف است / سعید کوهکن
۱۶	قهرمان بی صدا، آرام در دل تاریخ / زینب غلامی
۱۷	ده غلط مشهور اسرائیل / عالیہ اویسی کهخا
۱۸	تو هستی دست خدا / مهدیه اسدی

Dedicated section for English speaking audience

The Reality in Palestine: A Detailed Report/Negin Poodineh

21

صاحب امتیاز:

دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان

مدیر مسئول و سردبیر:

فائقه حسینی

مدیر اجرایی:

حمیدرضا سالاری

بازبینی محتوا:

فاطمه قاسم زاده

تولید محتوا:

عالیه اویسی کهخا

فاطمه اله بخش

طراح جلد و گرافیک:

عاطفه عباس زاده سرحدی

محمد مهدی ملاشاهی

فضای مجازی و پشتیبانی:

اله نظری _ فاطمه لکزایی

سرپرست و مدیر تولید:

ریحانه نوری

هدی در ویرایش مطالب آزاد است!!

راه ارتباطی ما:

nashrieh.hoda1403@gmail.com

@nashrieh_hoda اسروش

آبان ماه ۱۴۰۳

هدی

با خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه / اندر بساط قربت مسکین تر از یتیم

در دنیایی که اصوات ناهنجار و پر سروصدا از هر سو به گوش می‌رسد، صدای حق و عدالت، گاه در میان هیاهوها گم می‌شود. اما تاریخ نشان داده که این صدا هرگز خاموش نمی‌ماند و همچنان پرتوافکن بر دل‌های بیدار و جان‌های تشنه حق است. در این زمانه پرآشوب، ما به عنوان اعضای نشریه بسیج دانشجویی، با اراده‌ای راسخ و ایمانی استوار به دنبال رسالتی هستیم که پیشینیان ما بر دوشمان نهاده‌اند: «رساندن فریاد مظلومان به گوش جهانیان.»؛ به قول جناب حافظ: «چنان نماند و چنین نخواهد ماند!». اعضای تیم رو دور هم جمع کرد؛ تیک و تاک ساعت دوباره شروع شد؛ و کم‌کم کتابش رو زیر بغلش گذاشت. اینبار خودش هم نوشت؛ بعد از مدت طولانی ای ننوشتن!، این ویژه نامه رو برکت کار و صفای قلب بچه‌ها می‌دونست؛ - هر طور شده. باشم یا نباشم. باید تمامش کنید. - این جمله رو گفت و فراز و فرودها رو پشت سر گذاشتیم. ژست قهرمان‌ها رو گرفتیم! و افتخار بزرگ زندگی-مون شد از حق ننوشتن و بعد از چهار ماه و نیم استراحت «طاقت فرسا»، کمر بستیم و این شد که می‌بینید. در این مسیر، روزها و شب‌های زیادی را با هم گذراندیم. از لحظاتی که کلمات به سختی از قلم جاری می‌شدند، تا زمانی که دل‌هایمان با هر جمله‌ای که نوشته می‌شد، آرامش می‌یافت. هر یک از ما با عشق و تعهد، بخشی از روح خود را در این ویژه‌نامه گذاشتیم. هر جمله‌ای که نوشته شد، هر متنی که بازبینی شد، هر مصاحبه با زیر و بم‌هاش که گرفته شد. همه و همه با هدفی بزرگ‌تر از خودمان به نگارش درآمد. طی این مسیر، بارها و بارها به یادمان آمد که این کار نه تنها برای حال، بلکه برای آینده است. برای نسلی که شاید هرگز ما را نشناسد، اما از طریق نوشته‌هایمان با ما پیوند خواهد داشت. ما نوشتیم تا یادمان بماند که هرگز نباید صدای حق و عدالت خاموش شود؛ نوشتیم تا چراغی باشیم در تاریکی، برای آنانی که به دنبال راه هستند. تلاش‌های ما نتیجه داده است و حالا این ویژه‌نامه در دستان شماست. امیدواریم که هر کلمه، هر جمله، و هر مطلب این نشریه برای شما الهام‌بخش و آموزنده باشد. ما به شما می‌سپاریم که صدای حق و عدالت را زنده نگه دارید و به نسل‌های آینده منتقل کنید و به امید روزی که همه انسان‌ها در صلح و عدالت زندگی کنند، و صدای مظلومان هرگز خاموش نشود.

این چنین که گفته اند:

"شب پره گر وصل آفتاب نخواهد رونق بازار آفتاب نکاهد"

دپارتمان هم‌فکری و تولید

هدی



لبنان، پنجه زیر گلوی اسرائیل

فاطمه قاسم زاده

وقتی خنده‌ها خاموش می‌شوند!

ماجرای اشغالگری اسرائیل در منطقه، جنایات او در فلسطین، سوریه و لبنان، سال‌ها نسل‌کشی، قتل کودکان، همه و همه نشانه‌هایی برای تغییر نگاه آدمیت به اتفاقات وحشتناک این روزهای دنیاست. اگر عینکت را برداری! می‌بینی. اینها رفتن و آمدنی ساده نیست. یک چیزی کم می‌شود و یکی کناره‌اش اضافه. دختر بچه‌ای که بود؛ نیست، و مانده از او خاطره‌ای غمگین بر روح هر انسانی دردمندی. [اضافه شدنش همینقدر غم‌انگیز است.] کم شدنش را می‌پرسیدی؟ «خنده؛ خواب راحت بدون دغدغه؛ گرمای شنیدن صدای پدر هنگام برگشتن به خانه.» این آمال‌های از یاد رفته، نگاه بشریت را نسبت به ماهیت اسرائیل تغییر داده. مردم در قلب حمایتگر اسرائیل، در

آمریکا و نیویورک چفیه پوشیده، پرچم فلسطین را در دست گرفته و یکصدا از سازمان ملل، سران کشورهای خود و جامعه جهانی تقاضای مقابله با رژیم صهیونیستی را دارند.

چرا غرب از اسرائیل حمایت می‌کند؟

اما چرایی و چگونگی حمایت غرب از اسرائیل نشأت گرفته چیست؟ هنگامی که ساکنان نیویورک معترض حمایت‌های سیاستمداران خود از صهیونیست هستند، چرا عدم واکنش آنها همچنان ادامه پیدا می‌کند؟ جواب اینجاست؛ دست دوستی آمریکا و اسرائیل درختی است که ریشه‌های عمیق آن از استعمار نوین جهانی تغذیه می‌کند؛ آنجایی که انقلاب اسلامی ایران راه نفوذ آمریکا در منطقه را مسدود نمود، و آنها از نقشه دوم خود یعنی جاده خاکی‌هایی که سال‌ها پیش پی‌ریزی شده بودند، شروع به استفاده هوشمندانه کردند. نفوذ اسرائیل در منطقه بدون سر و صدا شروع شد. زمین‌های فلسطین سکناگاه خوبی برای راهبرد، برنامه، گزینش و هدف، بودند. برنامه‌ریزی برای در دست گرفتن خاک و منابع آن سرزمین مقدس شروع این راه بود. در این برنامه، همانگونه که «رژیم صهیونیستی، منطقه هدف خود را به یک بدن تشبیه کرده؛ ایران پیکر اصلی، سوریه بازوی آن و لبنان پنجه‌ای زیر گلوی اسرائیل است.» و تشکیل گروهک‌های تروریستی همچون داعش، به جهت دنبال کردن این اهداف صورت گرفت؛ از بین بردن بازو و در نتیجه آن عدم خون‌رسانی به پنجه‌طوری که شرایط برای حمله به پیکر اصلی فراهم شود. شکست این برنامه تا به امروز تنها به دلیل حمایت‌های مداوم و ادامه دار پیکر اصلی، یعنی ایران از سایر مناطق بوده؛ هست؛ خواهد بود. تضمین‌کننده این شکست تمام آن تروریهایی است که امروز از اسرائیل سر می‌زند. آنها از شکست تمام منطقه عاجز شده و به ترور شخص می‌پردازند تا روحیه شجاعت و مبارزه طلبی مقاومت را از بین ببرند، اما نمی‌دانند و نخواهند فهمید که در این جبهه، شجاعت و دلاوری مختص به یک فرد نیست. رهبران مقاومت محور اصلی نیروی منطقه اند اما مبارزان این راه، تک‌تک سربازان، زنان و کودکان [مقاومت] افرادی هستند که بدون وجود و حضور محور نیز به چرخش خود ادامه می‌دهند. (هموار، مانند نوک پیکان در حال حرکت به موازات چرخش پرگار روی کاغذ).

اسلحه شما روی زمین نمی‌ماند!

در این مکتب هیچ گاه اسلحه‌ای روی زمین نمی‌ماند، همانطور که رهبر عظیم شأن انقلاب در خطبه دوم جمعه نصر فرمودند: «عزاداری ما به معنی افسردگی، پریشانی و نومیدی نیست؛ از جنس عزاداری برای سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام است؛ زنده‌کننده، درس‌دهنده، انگیزه‌بخش، و امیدآفرین.» در مبارزه امروز، جهان اسلام و مردمان حق طلب دنیا همه در این جبهه آماده‌اند و تنها صدایی که از گروه باطل به گوش می‌رسد، صدای نفس‌های بریده و یکی در میان، رژیم غاصب صهیونیستی و استعمار نوین جهانی است.



گفت و گو با سرکار خانم

سهیلا وزیري مهر

ریاست محترم پردیس رسالت استان سیستان و بلوچستان

در این شماره از نشریه، گفت و گویی داشتیم با خانم وزیري مهر. ایشان با ارائه نظرات و دیدگاه‌های خود در مورد مسائل بیان شده، ما را همراهی کردند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین سوالات و پاسخ‌های ایشان را در زمینه مسائل اجتماعی و بین‌المللی خوانید:

آیا دانشگاه برنامه ای برای حمایت از دانشجویان فلسطینی دارد؟

به مناسبت حمله قهرمانانه به مواضع رژیم غاصب صهیونیستی، دانشگاهیان با اجتماع در کنار مزار مطهر شهید گمنام، بیانیه‌ای مبنی بر حمایت از اقدام انقلابی، نهایت انزجار خود را از دولت غاصب اسرائیل اعلام و حمایت قاطع خود از آرمان‌های جهان اسلام و به خصوص کشور فلسطین را اعلام کردند.

چگونه دانشگاه می‌تواند در افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل فلسطین و اسرائیل نقش ایفا کند؟

حفاظت از هویت فلسطینی و پاسداری از همه نشانه‌های این هویت برحق امری واجب و یک جهاد مقدس است. تا وقتی که نام و یاد فلسطین و شعله فروزان مقاومت ملت فلسطین برافراشته باشد امکان ندارد که رژیم اشغالگر بتواند به اهداف خود دست یابد، بنابراین همه دانشجویان و اساتید وظیفه دارند نیازهای اساسی ملت مظلوم را تأمین و در خدمت آرمان فلسطین قرار گیرند. حمایت از مقاومت وظیفه همه ماست.

چگونه دانشگاه می‌تواند در افزایش آگاهی عمومی در مورد مسائل فلسطین و اسرائیل نقش ایفا کند؟

ایشان در ادامه صحبت‌هایشان در پاسخ به این سوال، اذعان داشتند که دفاع از آرمان فلسطین و روشنگری از طریق تبیین ابعاد مختلف انسانی، دینی، مذهبی و حقوقی از روش‌های مختلف فرهنگی امکان پذیر است؛ دانشجویان دانشگاه با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی که در دانشگاه وجود دارد اعم از سخنرانی-روش-های هنری مانند تولید پوستر، هنرهای طراحی و گرافیک، شعر، تئاتر، تولید فیلم‌های کوتاه و حتی کلیپ‌های موبایلی می‌توانند وارد میدان تبیین شوند.

نظر شما در مورد وضعیت فلسطین و اقدامات اسرائیل چیست؟

۷۵ سال است که مردم فلسطین قربانی تجاوزات و خشونت رژیم اسرائیل بوده‌اند؛ اشغال، تخریب و مصادره اموال و زمین‌های کشاورزی همچنان ادامه دارد. چنین جنایات تکرار شونده‌ای نشان دهنده نقص آشکار قوانین بین‌المللی بشر دوستانه است، جنایات وحشیانه اسرائیل تنها واقعیتی است که فلسطینی‌ها هر روز با آن زندگی می‌کنند؛ ما در جامعه دانشگاهی قاطعانه پشت آرمان‌های مردم فلسطین ایستاده و از تلاش‌های گروه مقاومت و مردم مظلوم در پیگیری از حقوق مسلم در برابر تجاوزات رژیم اشغالگر حمایت می‌کنیم.



جناب آقای

سعید رحمتی کهخا

ریاست محترم دانشگاه فرهنگیان مرکز سیستان

تاریخ در انتظار پایان

حمیدرضا سالاری

آتش خشم انقلابی

«نَحْنُ الْمُنتَقِمُونَ، إِسْمَعْ

إِسْمَعْ يَا صُهْيُونَ»

حمله شکوهمندانه ایران در پاسخ به جنایت های نابخردانه و نابخشودنی رژیم سفاک صهیونیستی، نشان دهنده صبری است انقلابی. هنوز که هنوز است خشم انقلابی میان سلول های بدنه وجدان تمامی مردم این مرز و بوم جربان دارد؛ و صدای شریان های حق طلبی است که طنین پمپاژی از عشق و اقتدار را رقم می زند. این حجم آتش و اقتدار، نه تنها قلب و روح مردم ایران بلکه لبنان، فلسطین و سایر کشور های منطقه و جبهه مقاومت را نیز شاد می کند. حملاتی با به نمایش گذاشتن رزمایش، اقتدار، افتخار، توانمندی، توکل و یکتا پرستی با تکیه بر ابزار و دانش جوانان این سرزمین آزاده. همه اینها نشان دهنده بیداری وجدان مردمانی دلاور است؛ «آنها که اگر بتوانند رنجی را می کاهند. دردی را مرهم می نهند. مرغی را به آشیانه باز می آورند و حاشا حاشا، که بیهوده نزیسته اند.» در کناره تمام این فداکار ها؛ اقتدار

سخن آغازین

ابتدئاً تسلیت عرض می کنم خدمت مقام معظم رهبری، شهادت سردار شهید، شهید سعید، سید حسن نصرالله از رهبران مقاومت و جهان اسلام را، ضایعه بسیار دردناکی است. شرایط فعلی لبنان و سوریه، به طور قابل توجهی خاص است. مدت مدیدی است که رژیم غاصب صهیونیستی به دنبال سیاست ها و پیشبرد اهداف درون سازمانی و درون منطقه ای می باشد؛ لذا با توجه به این هدف سعی می کنند منطقه لبنان و بیروت را تحت فشارهای بی سابقه ای قرار بدهند. [این فشار برآمده از تسری انتقال فرهنگ ها، ارزش ها، آرمان ها و آرامش درون منطقه ای است.] در این دو، سه سال این آرامش درون منطقه ای پدید آمد؛ اما به دلیل محقق نشدن وعده های پوچ این رژیم جنایتکار، پیشبرد به ترور رهبران جبهه مقاومت روی این سکه بدون پشت و رو قرار گرفت.

جاء الحق و زهق الباطل

شهادت سید حسن نصرالله، این شهید گرامی در ادامه شخصیت مجاهد اسماعیل هنیه و سردار شهید عباس نیلفروشان، و هزاران شهید دیگر؛ قاب زشتی را از رژیم غاصب صهیونیستی برای ما تصویر و ترسیم سازی می کند، با تدابیری که وجود دارد در حوزه سیاست های داخلی و خارجی نظام جمهوری اسلامی، ما پاسخی فراخور و درخور خواهیم داد، جوابی البته مدبرانه، که مورد تاکید مقام معظم رهبری است و می توان عنوان کرد، إن شاء الله این پرچم آرمان خواهی و عدالت خواهی برافراشته شده، با نبود و ترور افراد، بیرقی است که بر زمین نخواهد ماند. این انسان سازی و کادرسازی که در قلب خورشید مقاومت صورت گرفته، ادامه دارد؛ کماکان با قدرت می ماند و می جنگد. هشیار باشیم و بدانیم که «جاء الحق و زهق الباطل» صورت خواهد پذیرفت.

نقش بازیگران منطقه ای

از نگاه دور به موضوع بنگریم، قریب به چند سالی است، جنگ در درون منطقه، جنگ زیر ساخت ها و کریدورها است. می خواهیم از عینک دیگر به موضوع نگاه کنیم، تقریباً می شود عنوان کرد که بازیگرهای منطقه ای و حامیان این رژیم غاصب صهیونیستی، دیدگاهی به مراتب جاه طلبانه و مستعمرانه تر خواهند داشت به این کوی و برزن. چرا؟ - چون اگر دقت کنیم، صرفاً مبارزه معطوف به حوزه فلسطین، غزه و لبنان نیست، جنگ با نگاه بسیار کلان تر، نگاهی است که همه این ساز و کار ها، همه این شرایط و همه این ضوابط بتوانند در کنار هم تعریف شوند؛ بیایند یکجا، برای از بین بردن قدرت طلبی و اقتدار نظام جمهوری اسلامی. آرمان هایمان را طوری نشانه بگیرند تا رکودی محسوس نمایان شود، کار یک بازیگر حرفه ای این است!

قدرت پوشالیتان رو به زوال است

ما بازیگران منطقه ای را از دو نگاه می توانیم تفکیک و متمایز کنیم، ابتدای امر، کشورهای «اردن و یمن» را مورد بررسی قرار می دهیم، اقدامی که یمن طی چند ماه گذشته انجام داد، یعنی پرتاب موشک بهای بالسستیک و کشتی هایی که از گذرگاه و تنگه خلیج عدن عبور می کردند، اقدامی بسیار نوید آفرین و غرور انگیز بود. یمن با حرکتی



بسیار خارق‌العاده و جسورانه، با دستی خالی از تجهیزات و تمهیدات یک حرکت بسیار نوین و جهادی را رقم زد. درست است که تعدادی موشک بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب شد اما همین نکات ریز را اگر در کنار هم قرار بدهیم نتیجه می‌گیریم که قدرت پوشالی رژیم غاصب صهیونیستی روز به روز رو به زوال است. از پنجره نگاه این طرف عینک، [و] [در طرف دیگر] کشور «اردن» را تحت بررسی قرار می‌دهیم. متأسفانه هم افزایی که باید در کشورهای خاورمیانه و حوزه خلیج فارس صورت می‌گرفت،

مهیا نشد. کشور اردن حریم هوایی خودش را برای رژیم غاصب صهیونیستی باز کرد و تعدادی موشک را توانست به نوعی رهگیری کند، نگاهی که وجود دارد برای جنگ غزه، لبنان و فلسطین، نگاهی به مراتب جامع‌تر و کامل‌تر است: «در رأس همه مستکبرین آمریکایی‌ها به دنبال این هستند تا بتوانند از این حربه برای مهار ایران، چین و آن قدرت طلبی و چشم اندازی که وجود دارد استفاده کنند!»

من نوید می‌دهم که به زودی کشورهای اروپایی نیز ناچار خواهند شد دست از حمایت رژیم صهیونیستی بردارند. رژیم صهیونیستی به دنبال جا انداختن این اصل در اذهان عمومی است که نیروهای جبهه مقاومت، نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران هستند. اما باید به زیرکی و هوشمندی عنوان کرد که اگر اتفاقی از جانب کشور یمن یا نیروهای جبهه مقاومت در یمن یا لبنان صورت می‌پذیرد، با توانمندی و قابلیت صددرصدی خودشان است. باید تدبیر نمود و این نکته را زیرکانه مطرح کرد که هرگونه مقابله با رژیم صهیونیستی به دست توانمند نیروهای جبهه مقاومت [یمن و لبنان] صورت می‌پذیرد. تنها نکته‌ای که وجود دارد، حمایت‌های فکری و ارزش‌هایی است که باید کماکان ترویج دهیم. این انتقال فرهنگ و ارزش اتفاق می‌افتد، اما حمایت نظامی نه. اسرائیل به دنبال این است که هر حرکتی در خاورمیانه را به واسطه جبهه مقاومت و تحت حمایت صددرصدی ایران جلوه دهد. بله، این حمایت صورت می‌پذیرد، اما حمایتی فکری، ذهنی و ارزشی است. مقوله سخت‌افزاری را ما طبیعتاً، نقشی در این عرصه ایفا نخواهیم کرد. توانمندی آن را داریم، اما ارزش‌ها و حائلی که در نظام بین‌المللی برای ما تصور می‌شوده قانون را فصل الخطاب قرار می‌دهد؛ اما از ارزش‌های خودمان هم نباید غافل شویم.

حقوق بشر: آرمان‌های فراموش‌شده در سایه بحران غزه

در این روزگار پرآشوب که غزه در آتش سوزان بحران‌ها گرفتار است، نسل‌کشی و کودک‌کشی‌ها به تراژدی‌های روزانه تبدیل شده‌اند. نگاهی جامع‌تر به این فاجعه‌های انسانی می‌اندازیم و دریغ می‌خوریم حقوق بشری که باید سپری بر این جهنم بی‌امان باشد، نتوانسته رسالت خود را به‌درستی ادا کند. حقوق بشر، که باید همچون ستاره‌ای راهنما در تاریکی‌های زمان بدرخشد، در این موارد اسفبار بسیار منفعل بوده است، آرمان‌های صلح و آرامش که همواره در سازمان ملل متحد از آن‌ها یاد می‌شود را نمی‌تواند به عمل درآورد. آنچه در واقعیت می‌بینیم، با آرمان‌ها و اشعار بلندپروازانه هیچ تطابق ندارد. اینکه حقوق بشر در مواجهه با این فجایع، تنها در حد کلمات باقی مانده است، دردناک است. به‌رغم تکرار شعارهای صلح و آرامش، جهان همچنان شاهد تراژدی‌های بی‌پایان است. باید بازنگری کنیم و تعریفی دوباره از حقوق بشر ارائه دهیم که بتواند به‌راستی پاسدار زندگی‌ها و آرزوهای انسانی باشد.

دموکراسی یا دام؟ بازی جدید در بحران غزه!

اگر خواستار آن هستیم در غزه آرامش حکمفرما شود، باید دموکراسی را دنبال کنیم، که قطعاً بسیار زیبنده است. اما باید بدانیم که اسرائیلی‌ها نیز به دنبال تحقق همین هدف هستند. نشستی که در سازمان ملل متحد برگزار شد، آقای جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، بحث تفکیک دو کشور و دموکراسی را مطرح کرد؛ با توجه به این صحبت‌ها و گفتمان‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا دموکراسی را

حضور رهبر کبیر و معظم انقلاب در جمعه نصر با حضور میلیونی مردم بود که لرزه بر تن کشورهای خود فروخته منطقه که دیدگاهی جز به رسمیت شناختن رژیم کودک کش صهیونیستی ندارند، انداخت و باعث آتش سوزی گسترده ای در بت خانه این منافقان شد. همانطور که رهبر فرزانه انقلاب در خطبه های فارسی نماز غرور آفرین فرمودند:

«براساس احکام دفاعی، قانون اساسی و قوانین بین الملل، کار درخشان نیروهای مسلح در مجازات رژیم خون آشام صهیونیستی، کاملاً قانونی و مشروع بود؛ جمهوری اسلامی هر وظیفه ای در این زمینه احساس کند، بدون تعلل یا شتاب زدگی، با قدرت و صلابت و قاطعیت انجام خواهد داد.»

این حملات، نوید بخش آینده ای روشن که با نابودی رژیم صهیونیستی همراه است به تمامی کشور های خواهان صلح و برقراری آرامش و امنیت قطعاً منتقل می شود، همچنین یاد آور جمله «از هر استان یک گروهان و در کل کشور یک لشکر برای جنگ با این رژیم آماده کرده ایم و آماده ایم تا یک کشتی به سمت غزه بفرستیم!» ما مصداق قساوت قلب را میان صهیون ها دیدیم، که خیلی بی رحمانه مردم را می کشتند؛ لبخند نواز د لبنانی بعد از زخمی شدن در بمباران های وحشیانه رژیم اشغالگر، سمبلی از امید و صلابت است که مهربی بر پایان یافتن این ظلم می زند. این قاب با وعده صادق ۲ باز هم یادآور جملات ناب شهید سید حسن نصرالله را برایمان به ارمغان

می آورد، که فرمودند: «ما دولت که هیچ، قریه که هیچ، مزرعه که هیچ، حتی طویله ای به اسم اسرائیل را هم به رسمیت نمی‌شناسیم.»

ریحانه نوری

فلسطین یک مادر تمام عیار

نه برای اینکه مدتی هست، ننوشته ام، که شغل دل و مشغله روزگار مجال نمی دهد، تو ولی خودت مجالی، دست ما قلم می دهی، وظیفه خودمان را به جا آوریم؛ زنان و مادرانی قوی که همیشه در میدان حضور دارند؛ چشمان شان را می بندند روی تمام بدی ها. آنها که قوی مانند الماس اند و تحت فشار قوی تر می شوند. وقتی می خوانی، درختان سر به فلک کشیده چشمان شان را، صبر است که ریشه دار تر می شود. این سیاه مثل تو را بیشتر می-بیند؛ مشتبه می شود برایت که انسانیت، این است، که هست. بعد خودت که ماندی در این میدان دست تنها یا دست کم کودکت را جلوی چشمانت از دست داده باشی، آن وقت، چیزهای دیگری هم هست که از مادر بودن این جا و آن جا یاد می گیری. می فهمی. می فهمی که می-فهمد. می دانی که وقت می گذارد. می بینی که کجاش بالاغیرتاً از وظایف مادر بودن نیست. بعد چیزی را که در ذهنت پر و بال می دادی «که باید اینطور باشد و آنطور» «من اگر بجایش بودم فلان» و «اگر خود او بودم بهمان»؛ اما حالا می بینی مادر بودن چیزی است فراتر از فلان و بهمان هات، مدینه فاضله نمی بگویی آن وقت در حق این یک دانه مادر یک و

مطرح کرد؛ با توجه به این صحبت ها و گفتمان ها، می توان نتیجه گرفت که رژیم صهیونیستی به دنبال آن است تا دموکراسی را به عنوان شعار خود در اذهان عمومی جا بیندازد و نشان دهد که به دنبال صلح و آرامش است. اگر از منظری جامع تر به موضوع نگاه کنیم، متوجه می شویم که این برنامه به نفع رژیم صهیونیستی است و آن ها را به اهداف خود نزدیک تر می کند. بنابراین، لازم است که با حمایت ها و انتقال دیدگاه ها، پرچم مقاومت را بالاتر و زنده تر نگه داریم. باید بدانیم که حق گرفتنی است و رژیم صهیونیستی همان طور که حضرت آقا در گذشته فرمودند: «رفتنی است و بیست و پنج سال آینده را به خود نخواهد دید.» بازیگرانی که در این منطقه و در نظام بین المللی تأثیرگذار هستند، باید جلوی رژیم صهیونیستی قد علم کنند و بدانند که صلح و آرامش را نمی توان با رژیم صهیونیستی به ارمغان آورد. امیدواریم جبهه-ی مقاومت، همانطور که تاکنون به موفقیت های بسیاری دست یافته، در ادامه مسیر نیز به همین شکل عمل کند و بتواند به اهداف خود دست یابد.

آیا سازمان ملل در خواب عمیق است؟ پرده برداری از حقایق پنهان غزه

بر سر درب سازمان ملل همیشه اشعار صلح و دوستی حک شده، اما آنچه در عمل می بینیم با این اشعار و ساختارها سنخیتی ندارد. رئیس سازمان ملل متحد، آقای «آنتونیو گوترش»، به عنوان عالی ترین مقام در این حوزه، و کشورهای اروپایی که خود را صاحبان قدرت می دانند، باید قد علم کنند و پیش نویسی در خصوص مخالفت با چنین اقدامات وحشیانه ای ارائه دهند. بازی در خاک دشمن و مواجهه با چنین رخدادهایی، تصویری زشت از صلح و آرامش در نظام کنونی به نمایش می گذارد. باید نقش مؤثری در مقابله با این رخدادها ایفا کنند و این موضوع را در انظار عمومی به طور مؤثر دنبال کنند.

گام حیاتی آموزش برای حفظ ارزش های مقدس

نقش مؤثری که آموزش عالی، آموزش و پرورش در «جریان سازی، کادر سازی» و دیدگاه های «سنتی، سازنده و پویایی» در جریان نظام آموزش عالی و آموزش و پرورش دارند، بسیار مهم و حیاتی است. انتقال فرهنگ و ارزش ها در جهت بیان وضعیت فلسطین و لبنان بر اساس ایدئولوژی حاکمیت و حکمرانی باید بیان شود. در نظام برنامه ریزی درسی، بخشی از این نظام که عصاره و چکیده ی فضائل سیاسی جامعه نیز تلقی می شود، باید توسط مربیان و اساتید دانشگاه به نحوی طراحی و برنامه ریزی شود تا این ارزش ها در دل نظام درسی جای گیرند. آن ها باید بتوانند این ارزش ها را که در دل کتاب ها و محتواها وجود دارد، به طور شایسته ای آموزش و انتقال دهند. ما باید بتوانیم مربیان خود را با این ارزش ها آمیخته کنیم. ناگفته نماند این موضوع از دو منظر قابل بررسی است: یکی مبانی و مهندسی برنامه درسی، و دیگری اجرا که به واسطه حضور معلمان صورت می پذیرد. در طراحی نظام برنامه ریزی درسی، توجه به ایدئولوژی غالب در کشور و قراردادن ارزش ها و دیدگاه ها در دل کتاب ها ضروری است. ایدئولوژی سیاسی کشور از رهگذر کتاب ها و محتواها می تواند در جامعه تسری پیدا کند. اما در اجرا، باید کتاب هایی سرشار از ارزش گذاری و محتواهای تأثیرگذار تدوین و نیروی تربیت و پردازش شود که این محتواها را به نسل های متفاوت با تفکرات متفاوت انتقال دهد. یکی از این مجراهای تأثیرگذار، دانشگاه فرهنگیان است. دانشگاه فرهنگیان پیشانی تعلیم و تربیت و تولید نیروی انسانی برای کشور تلقی می شود. تمامی دانشجو معلمان باید این ارزش های مقدس، حقایق تلخ، جوامع مظلوم، رویای کودکان فلسطینی و هزاران حرف نگفته را به نسل های متفاوت آموزش دهند.



تنها، فلسطین همین مادر است. **یک مادر تمام عیار.** آغوشش همیشه باز است برای محافظت از فرزندان سرزمینش. رها نمی‌کند. دور نمی‌اندازد. تنهات نمی‌دارد هنگام بارانِ دلتنگی‌ها. قویست، مانند یک لبخند پراز بغض، این فلسطین، مادر تاریخ ساز قرن ما. حیف، حیف این فداکاری که نمی‌فهمند چیزی ازش. حیف این غم و لذت‌های شنیده شدن که تجربه‌اش نکنند انسان‌ها، وقتی دیگر هیچ وقت بعد از این نشود تجربه‌اش کرد شاید.

کشوری هست مادری‌اش را بکنم؟

سن با برکتی. هم ظاهر و هم باطن! از جوانی ظاهر که چیزی نمانده بر تار و پوده بدنه‌اش. بیمارستان، خیابان، معابر، خانه، کلاس و خیلی جاهای دیگر که جریان دارد زندگی بین خرابه‌ها. اما کیف می‌کنی می‌بینی این اقتدار همیشگی‌اش را. یک تکه کلامی دارد فلسطین. صدایش که می‌کنند، بچه‌ها، در این سر یا آن سر (کشور فلسطین) دنیا، می‌گوید: «کشوری هست بکنم مادری‌اش را». «خوبیش یعنی (نوع)» و «طرز» رفتاری همراه با شجاعت. فراخی قلب نیروهای مقاومت که پراکنده شده عصاره‌هایش میان کشورهای منطقه. این نوع رفتار ربطی به منطقه و کشورهای اطرافش ندارد. همه ما انسانیم. یکی مان اینجا و چند نفری در آنجا. هیچ بهتر و بدتر نیستیم در زیر این آسمان. نقطه مشترک همه نابودی ظلم است و پس گرفتن حق! آنچنان که می‌شود، یعنی با دوستی میان همه انسان‌های آزاده اصلاً دوستی برای همین بود که گم نشویم میان بروهت



فاطمه اله بخش

حقیقت سمیر

سمیر، شخصیت اصلی داستان، یک فرد پرشور و با احساس که در جستجوی حقیقت و شناخت خود، با مسائل مختلفی روبرو می‌شود.

او با مواجهه مشکلات و شکست‌هایش، در مسیر رشد و تکامل قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند تا با تکیه بر ایمان و اراده قوی، راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلاتش پیدا کند. سمیر گنجینه‌ای از حقایق بسیاری است، از جنایات بی‌شمار اسرائیل در کشتن مردم لبنان و فلسطین، از عملیاتش در اردن، کشتن دختر دانی هاران توسط پلیس اسرائیل، یا شکنجه‌های پی‌در پی خودش. از نگرانی‌های خواهرش تا آغاز درگیری‌های داخلی لبنان. یکجایی تعریف می‌کند: مردم را بر اساس شناسنامه‌هایشان می‌کشتند. مسیحیان جدایی طلب، مردم غیر مسیحی را اینگونه می‌کشتند، و چون مردم توانایی مقابله با نیروهای اسرائیلی را نداشتند، لبنان وارد جنگ به طور جدی شد و ماجرای «عین الرمانه» پیش آمد. (ماجرای عین الرمانه در ۱۳ آوریل ۱۹۷۵ با حمله به شیخ بیار الجمیل و کشته شدن همراهش آغاز شد. در همان روز، اتوبوسی که فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها در آن بودند، توسط نیروهای حزب کتائب ۲ هدف قرار گرفت و تمامی سرنشینان آن کشته شدند. این حادثه، جرقه آغاز جنگ داخلی لبنان شد و به درگیری گسترده‌ای منجر گردید.) این داستان ادامه دارد...

زیر ذره بین عینک نقد

آغازی در عین حال تمام شده، نویسنده می‌گوید؛ اما، از چه کسی را، نه. احساسات مخاطب را که درگیر وضعیت شخصیتی ناشناخته کرد، بعدش در کمال برجسته‌سازی، از قهرمان اصلی داستان می‌نویسد. حماسه‌سازی با شرح حال از خودش و تنگناهای مخالفت با نوشتن این داستان، مخاطب را جذب می‌کند و سوال «مگه کی بوده که مخالفت شده با نوشتن داستانش؟» - خواننده را همراه می‌کند تا آخر داستان. «حقیقت سمیر» یک کتاب پرمایه است که به موضوعات مختلفی از جمله افسوس، عشق، و تحولات شخصیت‌ها می‌پردازد. نویسنده با استفاده از زبان ساده و مشقت ناپذیر، توانسته تجربیات شخصی خود را به طور جذاب و شگفت‌انگیز بیان کند. کتاب

با ترکیبی از «رمان و مقاله»، توجه مخاطبان خود را جلب کرده و افکار عمیقی را در آن‌ها ایجاد می‌کند. در کتاب خاطرات سمیر قنطار، زندگی یکی از قدیمی‌ترین اسرای لبنانی بیان شده و با قلمی شگرف و توصیفی دقیق؛ بخشی از داستان زندگی، آزار و شکنجه‌های زمان اسارت و تلاش‌های بی‌وقفه او در راه حمایت و دفاع از مردم مظلوم فلسطین به رشته تحریر درآمده است. باید بگویم، ظلم و جنایات رژیم غدار صهیونیست از زبان سمیر قنطار به زیبایی هر چه تمام، به تصویر کشیده شده و به زعم من یکی از جذاب‌ترین بخش‌هایش، آنجایی است که نویسنده بیان می‌کند: آقای سمیر قنطار از مذهب دروزی به مذهب شیعه روی آورده و به شدت تحت تاثیر سخنان گهربار



امیرالمومنین علی علیه السلام [در نهج البلاغه] قرار گرفته است. بعضی از نویسندگان، حرف طوری می‌نویسند که بروی در دل ماجرا، یعنی وسط حس و حال‌های گرفته و شاید هم قشنگ، به قول آقای توکلی (نویسنده کتاب) شاید نوعی تخلیه خاطر باشد، اما برای من به عنوان یک منتقد و یا مورخ! که پای صحبت خاطره‌گو می‌نشیند، هر صفحه از آن خاطرات، کشفی جدید در صفحه تفکرات ذهنی و تحولات اجتماعی رقم می‌زند. **صاحب کتاب آدم را وسط اقیانوس حقایق می‌برد و لب تشنه از حیات، با شور و شغفی عمیق تر رهایش می‌کند در ابتدای مسیر.** و تو باز خواهی گشت! برای همین تصمیم گرفتم به نقدش پردازم و گفتنی‌های دلنشینش را سوا کنم برای خودمان، تا خاطره‌گوی تجربه‌های پیر سال خورده، شخصیت شجاع نوشته‌ها، آقای سمیر باشیم

تحلیل سیاسی-اجتماعی

یعقوب توکلی با دقت و دانش بالا، به بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی بر شخصیت سمیر پرداخته است. او نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های یک جامعه می‌تواند مسیر زندگی فردی را شکل دهد و چگونه انسان‌ها در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و سیاسی، به دنبال حقیقت و هویت خود می‌گردند. سمیر به عنوان نمادی از جوانان امروز، با بحران‌ها و موانعی روبرو می‌شود که نه تنها شخصی، بلکه اجتماعی و سیاسی هستند. این نویسنده با استفاده از زبانی ساده و روان، پیام‌های اجتماعی عمیقی را منتقل می‌کند. او به بررسی مسائلی چون بی‌عدالتی اجتماعی، تفاوت‌های طبقاتی و بحران‌های هویتی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این مسائل می‌توانند تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و جمعی انسان‌ها داشته باشند. با این حال، برخی از شخصیت‌های فرعی داستان به خوبی پرداخته نشده‌اند و این موضوع می‌تواند به عمق داستان آسیب بزند. توسعه بیشتر این شخصیت‌ها می‌توانست به غنای داستان اضافه کند. همچنین، استفاده از برخی کلیشه‌های رایج در داستان‌پردازی ممکن است

برای برخی از خوانندگان آشنا و تکراری به نظر برسد. علاوه بر این، برخی بخش‌های داستان ممکن است برای خوانندگان کند و طولانی به نظر برسد، که این مسئله می‌تواند تجربه خواندن را کمی کُشدار کند.

چرا باید حقیقت سمیر را بخوانید؟

۱. اگر به دنبال یک داستان عمیق و تأثیرگذار هستید که نه تنها سرگرم‌کننده باشد، بلکه شما را به فکر وادار کند "حقیقت سمیر" نوشته یعقوب توکلی انتخابی بی‌نظیر است.

۲. زندگی همیشه منصفانه نیست، اما این بی‌عدالتی‌ها هستند که انسان‌ها را به تغییر وادار می‌کنند. سمیر در میان بحران‌ها، به دنبال هویت خود بود و هر روز با ایمانی قوی‌تر از قبل بیدار می‌شد. برای درک بیشتر این سفر پرچالش و آموزنده، نشستن پای صحبت این قهرمان را به شما توصیه می‌کنم. سخن‌های سمیر در مورد بی‌عدالتی اجتماعی و تفاوت‌های طبقاتی، مانند شمشیری دو لبه بود که هم جامعه را به تأمل واداشت و هم افراد را به جستجوی راه‌حل‌های جدید هدایت کرد. با خواندن حقیقت سمیر، با داستانی آشنا می‌شوید که نه تنها شما را به تفکر وامی‌دارد، بلکه الهام بخش شما نیز خواهد بود.

۳. سمیر با بحران‌ها و موانعی روبرو بود که او را به فکر فرو می‌برد: آیا می‌توان در این جهان بی‌عدالتی، هویتی معنادار یافت؟ با خواندن این کتاب، پاسخ این سوال را هم خواهید یافت.

جهان. تنها نگذاریم فلسطینی‌ها را در آستانه چند ساله شدن صبرشان. همان وقت‌ها که این مادر زمزمه می‌کند؛ آواز: «بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد». پشت هر نگاه این مادر کشایشی است از جانب خدا. فراز و فرود، رفتن و آمدن، رفتن غم و بازگشت شادی. فلسطین این نام آشنا، فرزندی دارد در بغل که نجاتش می‌هد از این غم‌ها فرزندی که دیوانه وار می‌جنگد و شیفته مسیره‌های تازه است. جنگجوی دیوانه‌ای در آن سرزمین رشد می‌کند که زخمی نبرد‌های هولناک بسیاری ست و هنوز بهبود نیافته؛ اما به وقتش بلند می‌شود. خودش را می‌تکاند. محکم تر از همیشه، صبور و با اقتدار پرچمش را بالا می‌گیرد. می‌ایستد و همه چیز را درست می‌کند.



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرُ النَّاصِرِ وَ مُعِينٌ»

حجت السلام و المسلمین

رضا آبار



کوثر کشاورز

بزنگاه تاریخی

اسلام از سوی خدا آمده و امری است که نبی اکرم، اولاد نبی اکرم و اصحاب ایشان برای آن جانفشانی های زیادی کرده اند، پس باید حفظ شود و اگر زمانی این پیروزی که به دنبال انقلاب اسلامی به دست آمده، در جهت سستی ما، ضعف تبلیغ ما، کاهش میزان حضور ملت ما، به شکست برسد؛ باید بدانیم که اسلام تا قرنهای دیگر نمیتواند سر، بلند کند! بنابراین تکلیف بزرگی بر عهده ماست. گفت: «ما!» گفتیم: «بله» یعنی: «مای ملت، مای شهروند، مای معلم، مای استاد، مای دانشجو، مای گوشه و کنار دنیا.» در غایت آرزوی اشخاصی که عشق به خدا دارند، شهادت نشان داده می شود. ما موظفیم به برادرها و خواهرانمان که امروز دارند در خون میغلتنند کمک بکنیم. اما چگونه؟ تبلیغ کنیم، یعنی جنایتهایی که ظالمان مرتکب شده اند را به مردم بگوییم و مسائل را به آنان بفهمانیم. ما باید مردم را در صحنه حاضر نگه داریم زیرا آنچه که ایران و انقلاب را حفظ کرده است حضور مردم در صحنه است. **به جنایات نظام خبیث صهیونیستی نگاه کنید!** که مردم بی گناه، زن و بچه ها را می کشند، کارکرد خونریزی، ترساندن است. اما این ترس فقط به مردم یا جبهه مقاومت مربوط نمی شود

سهم شما به اندازه یک سطل آب (راز نابودی اسرائیل فاش شد)

در مسئله آگاه سازی رهبران دینی، حضرت امام، [خدا ایشان را رحمت کند]، در بیانات و سخنرانی هایشان هر آنچه برای دانستن ما لازم بوده، به عنوان الگو، بیان فرمودند. آنجا که گفتند: «اگر تمامی مسلمانان به اندازه یک سطل آب بردارند و رها کنند، زمین اسرائیل محو و نابود می شود.» همانطور که خداوند تبارک و تعالی در قرآن می گوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا»، اگر ما ادعای مسلمانی داریم، در دنیا فرقی نمی کند، جامعه ایرانی باشی، عرب یا غیر عرب. اگر همه افرادی که دم از اسلام و مسلمانی می زنند، پایبند به معارف قرآن بودند، امروز در هیچ کجا، این درگیری و مشکلات پیش نمی آمد. نمی دیدیم که به راحتی کودک کشی اتفاق می افتد. مسلمان به راحتی جانشان گرفته می شود و بقیه انسان ها بی تفاوت اند. لازم است رهبران ما، جوامع دینی ما، آنها که به عنوان الگو، اسوه و هدایت گر این جامعه هستند، حول محور معارف قرآن و اسلام حرکت کنند؛ زیرا، از مشکلات رهبران جامعه اسلامی، این است که: «معارف اسلام را بیان می کنند، اما حامل این معارف نیستند.» در حالی که قرآن، فرمایشات پیغمبر و اهل بیت با صراحت بیان کرده، هر انسان آزاده ای که ندای یک مظلوم [مسلمان] را بالاخص بشنود و پاسخ ندهد، «فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»، (مسلمان نیست). مهم است آدم، موقع شنیدن ظلم، حرکت کند. بیاید در کنار این مسلمان باشد. کی و کجا، چگونه و چرا؛ مهم نیست، هر طور می شود باید حق را داد خواهی کرد.

*** با وجود تعابیر متفاوت که گفته شد، چرا بعضی از رهبران جامعه اسلامی نسبت به این قضیه بی تفاوت هستند؟** مبانی آن ها مشخص است که دیگر واقعاً برگرفته از اسلام نیست. اگر مبانی کسی برگرفته از اسلام ناب باشد، مسلماً پایبند به آن معارف نیز خواهد بود. رهبران جامعه دینی، در مرحله اول باید آگاهی کامل نسبت به مبانی و معارف قرآن داشته باشند. دوم، زمانی که این آگاهی را کسب کردند، باید خودشان پایبند به این آگاهی ها باشند. سوم، رهبران دینی و جوامع اسلامی را به گردهمایی و کنفرانس هایی دعوت کنند تا حول محور عدالت و صلح، تشکیل جلسه دهند و داد مظلوم را از ظالم بستانند. ای بسا رهبرانی که کمر به حقارت بسته اند و از یاد برده اند که سرشتشان از نور ایمان است. این رهبران باید به مسئولیت های خود عمل کنند. همان طور که؛ «هر که در این بزم مقرب تر است، جام بلا بیشترش می دهند.»

مسلمان اگر نیستید، حداقل آزاده باشید (حقیقتی که نمی خواهند بدانید)

توجه شما را جلب می کنم به فرمایش امام حسین علیه السلام، وقتی که در صحرای کربلا طفل شش ماهه را روی دست قرار داد و گفت: «مسلمان اگر نیستید، حداقل آزاده باشید»؛ آزادگی یعنی به وجدان و درون خودتان مراجعه کنید، شما اگر مشکلی با ابی عبدالله دارید، شش ماهه بی گناه چه تقصیری دارد؟ مردم آزادی خواه جهان نیز وقتی می بینند یک رژیم ملعون، [شما هر صفتی که بخواهید در رابطه با آن به کار ببرید، لایق شنیدن آن صفت های ناپسند است.] به مدرسه، به بیمارستان، به معابر عمومی، به خانه های ویران و ... توجهی ندارند. داد آزادی خواهان دنیا هم بلند می شود با دیدن این بی رحمی ها. این ظلم نیست! گفتیم ظلم، اما چیزیست فراتر از عمق فاجعه این واژه شما تصورش کنید.

فقط رفتن یک آدم نیست؛ روح، خاطرات، آرزوها و حتی تدریجی یک رویا در حال اتفاق افتادن است. وقتی آن ها به کودکان رحم نمی کنند، هر انسان، اصلاً غیر مسلمان هم ببیند و توجه کند یک شخص، شخص آدم، از بین می رود؛ مسلماً



وجدانش بیدار اگر باشد قیام می‌کند و نسبت به این خونخواهی برمی‌خیزد و مدعی بیان حقایق می‌شود. این سوالات سراسر دنیا را فرا می‌گیرد:

_ سازمان ملل قرار است داد مردم را بشنود این همه ظلم چطور یکجا جمع می‌شود؟
_ چرا گاهی اوقات از طرف مقابل چند نفر به درک واصل می‌شوند و خیلی از سردمداران عالم و غربی‌ها بلند می‌شوند و فریاد می‌کشند؟ و این در حالی است که وقتی یک مسلمان فلسطینی، یا چندین هزار نفر دارند به راحتی قتل عام می‌شوند، مجامع بین المللی سکوت می‌کنند؟

_ یک انسان آزادی خواه پیدا نمی‌شود؟ میدان جهانی ما به یک بیداری نسبی رسیده. ظلم می‌شود. ظلم هم با صراحت در رسانه‌ها برایشان واضح و روشن است پس می‌طلبند هر انسان آزادی‌خواه طبق همان فرمایش امام حسین علیه السلام: «اگر مسلمان نیستید حداقل آزاد مرد باشید»، در دفاع از مظلوم حرکت و بیداد کند. بیداد؛ اما چه کسی؟ کجا و چطور؟ جامعه‌ای که اطراف

فلسطین زندگی می‌کنند، کشورهایی که خودشان را مسلمان می‌دانند و اسم اسلام و مسلمانی را یدک می‌کشند. برای مثال، اگر ما تصمیم بگیریم یک محیطی بنا و سپس در آنجا شروع به کار کنیم، ابتدا باید آن اشخاصی که نزدیک هستند شروع به فعالیت کنند، بدین ترتیب آنها می‌شوند، یک الگوی خوب، خوب که می‌گویم یعنی به دور از هر نقصی ها. **جامعه اسلامی و کشورهای حاشیه خلیج فارس که دم از اسلام می‌زنند، اگر تحرکی از خودشان نشان بدهند یا منسجم بایستند، یعنی مانند بعضی کشورهای اسلامی برای اسرائیل کمک غذایی یا سلاح‌های آنجانی نفرستند؛ مشخص می‌شود که یاریگر ملت مظلوم فلسطین هستند.** اگر غیر از این بود، چه؟ یعنی از دید دیگران (جوامع دیگر) چطور نمایان خواهد شد؟ نمی‌پرسند این چطور دینی است؟ این چه نوع اسلامی است که این‌ها قبول کردند؟ چه نوع معارفی هست که این‌ها دارند؟ پس لازم است که ما اول آگاهی را از خودمان شروع کنیم، خودمان بیدار بشویم، خودمان قیام کنیم، بعد جامعه جهانی خود به خود حرکت می‌کند.

خیانت به ایمان در سایه ظلم

از نگاه قرآنی و معارف دینی، ما آیات و روایات فراوانی داریم در رابطه با مسئله دادخواهی سخن پیامبر گرامی اسلام که می‌فرمایند: «کسی اگر ندای یک انسان مسلمان را بشنود که به او ظلم شده است، (مثل مردم مظلوم فلسطین)، و به ندای آنان پاسخ ندهد، قَلْبِش بِمُسْلِمٍ، مسلمان نیست، و از دایره مسلمانان خارج شده.» خب این همه مسلمان دارند زندگی می‌کنند، ندای این‌ها را می‌شنوند اما بی‌تفاوت هستند. گفته بعدی آیه قرآن است، خداوند در سوره حجرات اعلام می‌کند: «مؤمنان کسانی هستند که وقتی ایمان به خدا و رسول خدا می‌آورند، در این ایمان و اعتقادشان دچار شک و تردید نمی‌شوند.» یکی از پرتگاه‌های عمیق که انسان‌ها دچار شک و تردید می‌شوند همین مسئله فلسطین است، چرا؟ چون ایمان این افراد، دچار تزلزل است، کسی که ایمان واقعی و صداقت در گفتار و رفتار خودش داشته باشد مسلماً قیام می‌کند و به دادخواهی نیز بر می‌خیزد. اگر اینطور نباشد مصداق سخن امام حسن عسکری علیه السلام در ذهن تداعی می‌شود: «جاهل حرف می‌زند اما حرفش تأثیری ندارد. بعد تازه فکر می‌کند که چه حرفی زده، اما انسان عاقل می‌اندیشد، تفکر، تجزیه و تحلیل می‌کند و بعد حرف می‌زند.» فلذا قرآن ما را راهنمایی می‌کند، می‌گوید: «ای مسلمان، ای کسی که ادعای ایمان داری، فکر می‌کنی مثلاً ام القری هستی یا خیلی از جاها خودت را مسلمان واقعی می‌دانی، تویی که ایمان به خدا و رسولش آوردی؛ باید در ایمان تو تزلزل، شک و

بلکه به همه آنها که در حال مرور جنگ هستند سرایت می‌کند. این رژیم با کشتار مردم بی‌گناه می‌خواهد نشان بدهد که قدرت برتر است. می‌دانند که با حذف رأس جبهه ی حق، این خورشید از بین نمی‌رود و حتی قوی‌تر می‌شود اما به ترور فرماندهان بزرگ ادامه می‌دهند تا نظام فکری افراد را تغییر داده و مردم باور کنند، که کار مقاومت و جبهه حق تمام است. زمانی که خون و جنایت جلوی چشم‌ها را گرفت؛ همان زمان که ترس و وهم حاکم شد و ابزار و قدرت صرفاً نظام ظلم را پر کرد، آنگاه پیروزی‌های مکرر جبهه ی حق در ماه‌های اخیر دیده نمی‌شود. مثل اینکه نتانیاهو در سازمان ملل می‌گوید امروز تنها برای حیات می‌جنگیم یا اینکه ۶۰ هزار نفر اسرائیلی آواره شده‌اند و شهرهای اسرائیل شهر مردگان نامیده شدند؛ در نتیجه ضعیف شدن و شکست‌های پیاپی نظامی و همچنین منزوی‌تر شدن اسرائیل دیده نمی‌شود، اما اگر طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب جهاد تبیین صورت می‌گرفت و تبلیغات گسترده‌تری انجام می‌شد، امروز کمتر شاهد افراد خودباخته و خود تحقیر در کشور عزیزمان بودیم. اصل صحبت‌م این است، این وقایع را باید گفت اما در راه درست، زمان مناسب و به جهت دستیابی به اقدام چاره ساز برای رهایی از مشکل و رسیدن به جهاد.

فرض جهاد کردن

حالا اگر برسید جهاد یعنی چه؟ می‌گویم بنشینیم پای صحبت رهبر عزیز انقلاب: «**زندگی، یعنی جهاد در راه هدف. هر تلاش ما یک جهاد است. در واقع جهاد یعنی مجاهدت، تلاش و زندگی یعنی اینکه ما هدف‌ها را ترسیم؛ و ارزش‌هایی که برای انسان عزیز و محترم هستند، را مشخص کنیم، سپس با همه قوا بکوشیم تا به آنها برسیم.**» جمهوری اسلامی هم، نظامی بر پایه ارزش‌های نوین و دارای جهت‌گیری ویژه‌ای به سمت اهداف متعالی است.

و تردید نباشد.)

قلم‌ها به جای شمشیرها: (بیداری وجدان‌ها در فضای مجازی)

تأثیرات بین‌المللی را همه مردم که هوشیار هستند با توجه به فضای مجازی و رسانه‌هایی که وجود دارد می‌دانند. یکی از ابعادش این است که وقتی دیدند، دارد ظلم زیاد می‌شود، بعضی از کشورهای اسلامی از جمله ایران آمدند و پشتیبانی کردند از فلسطین. مقام معظم رهبری مدظله العالی و روحی له الفدا فرمودند: «مسئله مهم دنیای اسلام و جامعه بین‌المللی، امروز، مسئله فلسطین و لبنان است.»؛ ما هم اگر می‌خواهیم بیداری بیشتر شود، تمامی جوامع بین‌المللی آگاه شوند باید دست به قلم شویم، آن چیزی که از ما بر می‌آید، را بیاوریم وسط میدان. در نشریه‌ای که داریم، سایتی که داریم، رسانه‌ای که داریم، اینستاگرامی که داریم، هر جا که داریم، می‌توانیم فعلاً کمک کار و کمک حال باشیم، یاریگری دین فقط این نیست که انسان گاهی اوقات شمشیر و یا اسلحه بردارد و حمله کند به دشمن. گاهی اوقات برای اینکه یاریگری دین حاصل شود و دفاع از حق مظلوم تحقق یابد، ما باید با قلم خودمان جلو برویم، پیش روی کنیم و قلم بزنیم، حتی شده کوتاه در فضای رسانه، هرجایی که به هر حال برایمان مهیا هست. این باعث می‌شود وقتی ما قلم می‌زنیم، وقتی مقام معظم رهبری می‌آیند به جوانان اروپایی نامه می‌نویسند، دلشان گرم می‌شود به حضور همه ما.

آیندگان، گذشتگان را قضاوت خواهند کرد

وقتی من هم در فضای مجازی خودم بیایم دفاع کنم از حق و حقوق، و حقایق را بیان کنم مسلماً باعث بیداری جوامع بین‌المللی خواهد شد. تأثیری هم بر آیندگان خواهد داشت و آیندگان درباره گذشتگان قضاوت خواهند کرد. همانطور که ما تاریخ را بررسی می‌کنیم و می‌گوییم که _ ای وای بر کسانی که مثل «طلحه و زبیر» یار اصلی پیامبر بودند! _ اما همین طلحه و زبیر یک روزی آمدند و جنگ جمل را به کمک یک عده دیگر بر علیه امیرالمؤمنین علی علیه السلام راه انداختند. و تاریخ دوباره و دوباره تکرار می‌شود، ما نیز مورد اتهام قرار خواهیم گرفت؛ توجه: شما اکنون بخشی از کتاب «سفر به سرزمین سکوت» را مطالعه می‌کنید، که در آینده توسط آیندگان نوشته خواهد شد. این داستان به شما نشان می‌دهد که چگونه اعمال امروز ما، در آینده تاریخ‌ساز خواهد بود. در سال ۲۰۲۴ میلادی، در کتاب «سفر به سرزمین سکوت»: داستان‌هایی از تاریخ معاصر آمده است؛ در این برهه از تاریخ، مسلمان‌نمایی در اطراف فلسطین زندگی می‌کردند که ندای مظلومان را نادیده گرفتند. دین‌شان مفاهیم دینی را بر آن‌ها تبیین و روشن کرده بود، اما این افراد به جای حرکت به سوی حقیقت، پا پس کشیدند و به دنبال حقیقت حرکت نکردند. هنگامی که جنگ و نبردی رخ می‌داد، آنان فرار می‌کردند و پس از پایان جنگ با ریش و محاسنی سفید شده باز می‌گشتند و ... خواهند گفت که مثلاً در این گوشه از مملکت عده‌ای چه کار کردند؟ آیا این‌ها حرکت کردند؟ یک جایی تحصن کردند در حمایت از فلسطین؟ راهپیمایی راه انداختند؟ آنهایی که وظیفه‌شان پرتاب موشک بود، موشک پرتاب کردند؟ هرکسی در آن حیطه‌ای که می‌تواند و برایش تکلیف و بار زیاد نیست، به اندازه وسع و توان خودش می‌تواند کمک کند اما اگر کمک نکند آیندگان در رابطه با ما قضاوت منفی خواهند داشت و ما را شاید در بعضی جاها لعن کنند! خیلی مهم است؛ در طول تاریخ چگونه ما لعن می‌کنیم همانطوری مورد نفرین قرار خواهیم گرفت، مثلاً خیلی از کسانی که در لشکر «عمر سعد» بودند! و می‌دانید که همیشه _ در طول تاریخ حق پیروز بوده، و پیروز خواهد بود و باطل هم نابود بوده و خواهد شد _ این انسان‌ها هستند که مورد امتحان و آزمایش قرار می‌گیرند. پس ما هم حواسمان باشد که خداوند ما را امتحان می‌کند. (لَیَبْلُوْكُمْ أَتَیْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا)، خدا ما را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد. فرقی نمی‌کند چه زن چه مرد، (مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثَى) چه زن می‌خواهد باشد چه مرد می‌خواهد باشد ما را امتحان و آزمایش می‌کند که در دنیا بهترین عمل را انجام بدهیم تا آیندگان در رابطه با این عمل ما درست قضاوت کنند.

به طور کلی، معیار جهاد امروز در زبان فارسی در کلمه «مبارز» تجلی می‌یابد. یقیناً در مسیر رسیدن به هدف، موانعی وجود دارد و اساساً همین وجود مانع است که به تلاش انسان معنا و حقیقت معنوی می‌بخشد و آن را جهاد می‌نامد. اگر مانعی نبود، جهاد نیز معنایی نداشت. جهاد یعنی جد و جهد همراه با زحمت و چالش. ناگفته نماند، هر تحرکی اسمش جهاد نیست، یکی از خصوصیات این تحرک این می‌تواند باشد که انسان بداند در مقابل دشمن است. یعنی بداند در مقابل یک حرکت خصمانه و غرض آلودی قرار دارد. جهاد، فقط در میدان جنگ نیست، جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه همراه با خطرپذیری _ البته در حد معقول _ و پیشرفت و امید به آینده. مثلاً در حکم «فرض» رهبر معظم انقلاب که به تازگی اعلام شد، همه مسلمانان مکلف هستند بقدر ممکن به مردم لبنان کمک کنند ولی لازم نیست همه افراد در صحنه نبرد نظامی با رژیم صهیونیستی حاضر شوند. در این میان توجه کنیم که مقام معظم رهبری تعبیر «کمک کردن» و حمایت کردن» را به کار برده‌اند.

خودت زدی، خودت فرار کن!

فکر می‌کنم در حال حاضر برای ما آگاه کردن مردم در اولویت است. متأسفانه عده‌ای از مردم تا اسم جنگ می‌شود به فکر فرار و ترس می‌افتند، به قول دوستی: «خودمون زدیم خودمونم فرار کنیم!» نباید شانه خالی کرد؛ باید، بود؛ ماند؛ دید. صحبتی داشت؛ قلمی، کاغذی. بیا و هر طور که می‌توانی در میدان بجنگ. اگر بخواهیم به تاریخ بیانات رهبری نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم ایشان قبل از هر شخص دیگری در مورد این مسائل مهم صحبت کرده‌اند و راهکارهایی برای مقابله با مشکلاتی که امروزه رخ داده ارائه کرده‌اند. مسائلی مانند معنای جهاد و زندگی، از مبانی مهم در حیات هر کسی می‌باشند که به خوبی تبیین شده‌اند. موضوع



دفاع از مقدسات و حقوق مظلومان

در لایه لای صحبت‌های گذشته هم تکرار شد، اینکه مردم مظلوم فلسطین، مظلوم واقع شده‌اند. واقعا مسئله دنیای اسلام است و اگر در گذشته هم توجهی به آن داشتند به خاطر جایگاه بیت المقدس است. به هر حال که یک جایگاه بسیار مقدس و قابل احترام است، اولین قبله مسلمانان بوده و ما در رابطه با بیت المقدس آیات فراوانی در سوره اسراء داریم که: **«خداوند این سرزمین را تقدیس کرده و برای آن جایگاه ویژه‌ای قائل شده است»**، از آن طرف ما نگاه کنیم، اگر یک شخص اجنبی در اجتماع و محیط کوچکی که ما زندگی می‌کنیم وارد خانه ما بشود، و آن را تصرف بکند، آیا ما واقعا از خودمان دفاع نمی‌کنیم برای این احقاق حق؟ صد درصد این کار را انجام می‌دهیم. یک دشمن اجنبی خدا آن‌ها را اینگونه معرفی می‌کند و به پیغمبر می‌گوید، **«وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى»** - هرگز این یهود و نصاری از توی پیغمبر راضی نمی‌شود، - **«حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»**، - بلکه تو باید چه کار کنی؟ باید پیروی از آیین و روش و مسلک آنها داشته باشی، یعنی باید بروی زیر نظر آنها باشی، چهارچوبی که آنها ترسیم می‌کنند را باید قبول کنی تا راضی شوند. - خب وقتی آیات قرآن با صراحت وضعیت یهود و نصاری را مطرح می‌کند و در جوامع بین‌المللی رسانه‌هایی که تحقیقات علمی انجام می‌دهند، این موارد را نوشته اند، نگارش کرده‌اند که چه ظلم‌ها و در چه حیطة‌ها که انجام نشده است. توجه کنیم با این تعبیر، وقتی که چنین اجنبی‌هایی آمده‌اند و سرزمین یک عده از مظلومین را تصرف کرده‌اند و الان هم هدفشان این است که تمام این اجتماع را بگیرند برای خودشان، لازم است که ما نیز بیدار شویم، وظیفه است این بیدار شدن در شرایط حالا.

آقایان با سواد قبل از لگد زدن دشمن بیدار شوید

چطور، ما راضی نیستیم کسی به ناحق یک متر از زمین ما را بگیرد، آنها چطور راضی شوند که تمام سرزمین آنها غصب و گرفته شود؟ آری، می‌طلبند که همه جوامع جهانی بالاخص مسلمان‌ها بیدار شوند، پیروی و تبعیت از آیین و مسلک یهود نداشته باشند، به خصوص افراد با سواد جامعه ما که متأسفانه گاهی اوقات مشاهده می‌شود، نسبت به چالش فلسطین دچار شک و تردید می‌شوند، ما راهکار به آنها می‌دهیم، می‌گوییم: آقایان بزرگوار، چه آنهایی که در کشور ما هستند که گاهی اوقات حضرت آقا هم اشاره فرمودند، - هستند و به عنوان نفوذی هستند، - گاهی اوقات دشمن، به عنوان منافق که ما حتی سوره‌ای به نام سوره «منافقون» داریم، حضور دارد. در زمان پیغمبر این افراد بودند، **«إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ»** منافقان می‌آمدند که چه کار کنند؟ (دو به هم زنی کنند و رسالت پیامبر مژمر ثمر واقع نشود). ما جوامع هم باید بیدار باشیم. همانطور که گذشتگان وقتی از کلام امیرالمؤمنین و پیغمبر سر پیچی کردند؛ ضربه خوردند و بعد ها تازه فهمیدند و درب خانه امیرالمؤمنین را گرفتند. تاریخ تکرار می‌شود، و در اینجا توجه شما را جلب می‌کنم به این آیه که خداوند در قرآن می‌فرماید: **«إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ يَتَّقُونَ»**، خب ما هم باید از تاریخ و از گذشته عبرت بگیریم، پند بگیریم. آقای با سواد اگر امروز من بیدار نباشم فردا ممکن است، طبق فرمایش امیرالمؤمنین با لگد دشمن بیدار شوم. پس من باید بیداری را کسب کنم و گوش به فرمان امام جامعه، نائب بر حق امام زمان (عج) باشم. همان نائب بر حق که روز جمعه نصر می‌آید، نماز جمعه را با آن صراحت، آگاهی و صلابت می‌خواند؛ اگر قرار است ما در دایره اسلام واقعی و ایمان واقعی قرار بگیریم، مؤمن واقعی مانند آیات و روایات قلمداد شویم، باید پیرو امام جامعه باشیم. اگر امام جامعه دستور جهاد داد، ما باید حرکت کنیم. وقتی می‌فرماید که فرض است تا شما کمک مالی کنید، پس بر ما هم لازم است که کمک مالی کنیم. در همه‌ی حیطة‌ها و حرفه‌ها و زمینه‌ها ما باید بیدار و گوش به فرمان امام جامعه باشیم.

سخن پایانی

در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مدیون خون شهدا هستیم. وقتی دم از شهادت می‌زنیم، باید بدانیم که برای این مملکت خون‌های زیادی ریخته شده است. کسی که می‌خواهد پیرو راه شهدا باشد، باید مانند شهدا زندگی کند و ویژگی‌ها و صفات آن‌ها را داشته باشد. همان‌طور که شهدای هشت سال جنگ تحمیلی به فرمان امام خود، حضرت امام خمینی (ره)، به ندای ایشان لبیک گفتند و نترسیدند، ما نیز باید از ترس و حزن دوری

مهمی مانند تبلیغ دین و آگاه سازی مردم که امروزه شامل همه موارد و اتفاقات اخیر می‌شود، جنایاتی که در غزه و لبنان رخ داده است، در بیانات رهبری سی یا چهل سال قبل مطرح شده! دقیق، مو به مو، ظریف و با صلابت. این ها ذهنم را در هم تنید و مرا شگفت زده کرد.



نبرد هضم مهاجم به سبک توده سرطانی

انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی است که در میان انواع ملل اسلامی به عرصه ظهور رسیده و براساس بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) آرمان‌های خود را حفظ کرده و در حال عبور از یک گذرگاه غرورآفرین، جهت رسیدن به قله‌های خودسازی و تمدن‌سازی است. اکنون در این مسیر شاهد حضور شیاطینی هستیم که برای عده‌ای خوف ناک و برای عده‌ای دیگر مظهر قدرت و شجاعت اند. اسرائیل، کشوری نام آشنا در تاریخ معاصر، که دستانش خون پاک بی‌گناهان را به یدک می‌کشد و هنوز رسمیت لازم را برای حکومت ندارد. او با حمایت سگ صفتان جامعه اروپایی، فقط در چارچوب ظلم ستیزی حرفی برای گفتن دارد،

دارد، زیاده خواهی هایش خاورمیانه را به جایی رسانده که حتی دوستان دیو صفتش هم نمی توانند لجام این اسب وحشی را مهار کنند.

پیروزیّت وعده حتمی خداوند

غده ای سرطانی در کشورهایی با اندیشه های توخالی، جهش یافته و همه اینها نشانه ناامیدی و عدم خودباوری مردم در مقابله با این غده است. بحث درمورد فلسطین معمولاً به بیان گوشه ای از دلآوری های بی بدیل مردمان آن، منتهی می شود. آنانی که زخم های عمیقی از اسرائیل به تن دارند اما روح دلیرشان همچنان پابرجاست. ای مظهر مقاومت اسلام که در حال پیکار با مهاجمی سرطانی هستی، ای فلسطین همیشه پیروز. با کدامین کلمات احساساتم را در وصف تو بیان کنم؟ آیا به راستی واژه ها، قدرت توصیف سرگذشت شما را دارند. آیا این کلمات می توانند دل لرزان مادری که جنازه فرزند شهیدش را در آغوش گرفته، قدری وصف کنند یا توان آن لحظه ای که دستان لرزان پدری را که زمانی کوه استوار یک خانواده بود ولی الان پاره های بدن فرزند کوچکش را از زیر آوارها بیرون می کشد دارد. از کدامین غمت بگویم. از کدامین دلهره هایت بنویسم، تا قدری آرام بگیرد قلبت. ای قلب تپنده اسلام، می دانم وجود پاره پاره های به خون شهیدان آغشته شده و تو را هر لحظه بیدارتر می کند. ولی ای فلسطین بدان که پیروزیّت وعده حتمی خدا، برای همه جهانیان و شوقی زیبا برای مقاومت اسلامی است. اگرچه امروز شاهدیم که خون شهیدانت، شهر را از وجود منحوس انسان نماها شست و شو می دهد، اما اگر هزاران کودک هم کشته شوند بدان که خداوند باز هم موسی را در صندوقچه ای زنده نگه می دارد تا خانه ای که فرعونیان بر روی ویرانه هایت ساخته اند نابود سازد. به گفته امام راحل، هرچه ما را بکشد ملت ما بیدارتر می شود، آری هرگز

کنیم. اگر می خواهیم به ظهور برسیم، باید اسرائیل محو شود. من استاد، من دانشجو، هر کس در هر جایگاهی هست، وظیفه دارد شناخت خود را نسبت به مسائل بیان شده از سوی امام خودش بالا ببرد. شرط ادامه دادن راه شهدا این است که صفات و ویژگی های شهدا را داشته باشیم. دفاع از انقلاب یعنی ترس و شک به دل راه ندهیم و از انقلاب، امام انقلاب، ارزش های انقلاب و خون شهدا دفاع کنیم. در قضایای اخیر، مانند شهادت سید حسن نصرالله، کشورهای عربی به ویژه عربستان، قبل از شهادت او، میلیاردها دلار پول پیشنهاد دادند تا او دست از کارش بردارد، اما او امام جامعه را شناخت و گفت: امام من سید علی خامنه ای است. او امام عصر و دوران خود را خوب شناخت و می دانست که پرچم ولایت در دست کیست. ما هم وظیفه داریم علمدار را خوب بشناسیم و از کلام او تبعیت کنیم.

خدا در قرآن می فرماید: **"إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا"**؛ کسانی که می گویند پروردگار ما خداست، باید در گرفتاری ها استقامت داشته باشند. وحدت همه مؤمنین، اساتید، دانشجویان و بزرگواران باید حول محور ولایت باشد. تز فکری و سیاسی هرچه می خواهد باشد، اما حول محور ولایت و پرچم آن حرکت کنیم تا بیداری حاصل شود. **"إِنِّي سَلَمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ"**؛ ما باید توجه کنیم که هر صدایی از هر حلقومی می آید، آیا صدای شیطانی است یا ولایی؟ باید تشخیص دهیم. پشتیبان مردم حزب الله و فلسطین و غزه باشیم، نه پیرو تهدیدات اسرائیل. شناخت پیدا کنیم و حول محور ولایت در برابر استکبار بایستیم تا دشمن ما از بین برود و عاقبت به خیر شویم. و در پایان آرزو می کنم خدا ما را با ولایت زنده بدارد و با ولایت بمیراند و با ولایت، قرآن و اهل بیت محشور کند.



اندیشه انقلابی ترور نمی شود و این سخن، بامسما و حقیقی ترین سخنی است که می تواند کوهی از ایستادگی مردان بزرگ و شهیدان راه حق را نشان دهد. فلسطین، لبنان و تمام جبهه های مقاومت بدانند که در حال فتح قله ی پیروزی هستیم، فلسطین کلید رمز آلود ظهور است و هیچ گاه نمی میرد و این حقیقی ترین راه نجات مسلمانان جهان است.

از قافله عشق، بسی دست و سر افتاد با آل علی هرکه در افتاد بر افتاد

فائقه حسینی

انعکاس قدرت و حکمت در برابر جبهه باطل

جمعه نصر، نماد قاطعیت و درایت رهبر جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جبهه باطل و مصادیق آن، به یادگار خواهد ماند. نماز تاریخی که در روز (۱۳ مهر ماه ۱۴۰۳) به امامت حکیم فرزانه ایران، آیت الله خامنه ای، اقامه شد، همچون نوری در تاریکی، پیام های مهم و سرشار از حکمت را به جهانیان رساند. این نماز، تجلی اراده ای استوار و ایمانی عمیق بود که در دل های مؤمنان شعله ور شد و همچون نسیمی دل انگیز، روح ها را نوازش داد. در زمانی از تاریخ که دشمنان ایران در پی تهدیدهایی برای جان رهبر فرزانه ایران بودند، ایشان با اقتدار در صحنه حاضر شدند و آن اتفاق تاریخی را رقم زدند. این اتفاق سبب شد پیوند ناگسستنی میان دولت، مردم و رهبر انقلاب به دشمنان این آب و خاک یادآور شود. این پیوند که به تعبیر مقام معظم رهبری از مصادیق اعلا ی «ولایت» است، واجد ابعادی است که قابل فهم از سوی دشمنان نبوده و در آینده نیز نخواهد بود. به عبارتی دیگر، پیوند امام و امت، منطبق بر ریشه ها و باورهای است که اساساً ماهیتی محاسباتی و قابل اندازه گیری از سوی اتاق های فکر آمریکا و رژیم اشغالگر قدس ندارد و ضامن استمرار و بقای مقاومت خواهد بود. باید به یاد داشت که آزادی بدون مبارزه ممکن نیست. و اما پیام دیگری که رهبر انقلاب در خطبه های نماز جمعه بیان فرمودند، این بود که «هر ضربه به رژیم صهیونیستی، خدمت به کل انسانیت است». این پیام به یاد جمله حضرت آقا پس از شهادت سید مقاومت می اندازد که فرمودند: «بر همه ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب الله سرافراز بایستند.» این یعنی هر کس هر چه در توان دارد برای نابودی اسرائیل استفاده کند؛ این همان پیام اصلی جمعه نصر است که در فرمایشات رهبر مدبر انقلاب اسلامی نمود پررنگ داشت؛ نمایشی توأمان از «درایت» و «قاطعیت» در مواجهه با دشمن صهیونیستی و کلیت جبهه باطل.

رهبر انقلاب با کلامی آکنده از حکمت و ایمان، ملت ایران و تمام مسلمانان جهان را به همبستگی و اتحاد در برابر ظلم دعوت کردند. «در جهانی که ظلم و ستم بیداد می کند، هر گامی که به سوی عدالت برداریم، نور امید را در دل های بی پناهان روشن می کند.» پیام های جمعه نصر، همچون چراغی راهنما، مسیر حق و عدالت را به همه نشان داد و ثابت کرد که با وحدت و استقامت، می توان در برابر هر نیروی ظالمی ایستاد و پیروز شد. این سخنان در جمعه



نصر، یادآور قدرت ایمان و همبستگی است و امید را در دل تمامی مبارزان راه حق زنده نگه می دارد. هر ضربه ای که به رژیم صهیونیستی وارد می شود، خدمت به کل انسانیت است و این پیامی است که باید در دل و جان هر انسان آزادی خواه جای بگیرد.

حجت السلام و المسلمین

سعید کوهکن



بیدار شو! مسئولیت اجتماعی تو فراتر از حرف است!

هر فرد در جامعه با توجه به مسئولیتی که به لحاظ شرعی و اجتماعی بر دوش او نهاده شده، وظیفه دارد نسبت به آگاه سازی، بیان حقایق و رفع شبهه ها اقدام کند؛ این مسئولیت به ویژه هنگامی بیشتر اهمیت پیدا می کند که بدانیم این شبهه ها و سوالات می توانند در نوع نگاه و دیدگاه افراد جامعه مؤثر باشند. زمانی که افراد جامعه یک دیدگاه روشن و آگاهانه داشته باشند، می توانند در مسیر درست تاریخ بایستند و وظیفه ای که دارند را به درستی انجام دهند. «افراد آگاه در دل این شب تاریک باید شمع می باشند که نور می باشد و راه را نشان می دهد.» یقیناً هر کسی نسبت به مسئولیتی که دارد، در هر جایگاهی که هست، حداقل وظیفه اش این است به دیگران آگاهی ببخشد. اگرچه افعال اجتماعی ممکن است وظیفه ای بیشتر بر دوش ما بگذارد، اما این مراودات بین المللی و ایجاد انگیزه های لازم برای مقاومت نیز بسیار حائز اهمیت است. این آگاهی از حقایق و مقاومت در برابر ظلم، نشانگر آگاهی و تعهد ما به انسانیت دیده می شود و از یاد نخواهد رفت.

دانشگاه ها: خط مقدم آگاهی و مقاومت در برابر بحران ها

آموزش و پژوهش در دانشگاه ها نقش حیاتی در مواجهه با بحران های منطقه ای و بین المللی دارد. دانشگاه ها و پژوهشگران به عنوان خط مقدم جامعه، می توانند تأثیرات بزرگی بر سرنوشت و آینده کشور داشته باشند. در واقع، دانشگاه ها نقطه ورود به عرصه اثرگذاری و کنشگری هستند. پژوهش های لازم را باید انجام داده و اطلاعات لازم را کسب کرد. این اقدامات در بستر آگاهی و پژوهش محقق می شوند. توجه داشته باشیم، آگاهی، بهترین محافظ ما در برابر هر بحرانی است. در دنیای امروز، پژوهشگران و دانشگاهیان باید به عنوان پیشگامان آگاهی و علم، نقش خود را جدی بگیرند. آن ها باید با تحقیقات علمی و دقیق، روزه های جدیدی را برای مواجهه با بحران ها کشف کنند و اقدامات مؤثری را به انجام برسانند. جوانان عزیز باید این نکته را به یاد داشته باشند که «دانش، قدرت است، اما تنها زمانی که به درستی به کار گرفته شود.» بنابراین، جامعه نیازمند دانشگاه ها و پژوهشگرانی است که بتوانند با تأثیرگذاری مثبت، جامعه را به سوی مسیر درست هدایت کنند. الی ویزل اشاره دارد: «جهان به افراد پراز دانشی نیاز دارد که جرأت کرده اند به دنبال حقیقت بگردند، نه کسانی که خود را با دروغ ها و شبهه ها فریب می دهند.» با این رویکرد، دانشگاه ها و پژوهشگران می توانند به عنوان منبعی برای آگاهی و مقاومت، نقشی حیاتی در جامعه ایفا کنند. در هر جایگاهی که هستند، وظیفه دارند به دیگران آگاهی ببخشند و جامعه را به سوی آینده ای روشن تر هدایت کنند؛ تا بالاخره حقایق آشکار شود.

شادابی فکری و سیاسی بین دانشجویان

صحبت کردن و تعامل با دانشجویان مثل گنجینه ای از فرصت هاست. این مکالمات نه تنها دریچه ای به سوی یادگیری را باز می کنند، بلکه به رفع شبهه ها و روشن شدن اذهان کمک می کنند. محیط دانشگاهی جایی است که دیالکتیک و گفتگوهای علمی به اوج خود می رسند و دانشجویان با شور و شوق به دنبال پاسخ های درست و دقیق می گردند. دانشجویان با پرسیدن سوالات مختلف و به چالش کشیدن مفاهیم، باعث می شوند که ما هم همیشه بیدار و هوشیار باشیم. این تبادل اندیشه ها مثل «آسمانی پراز ابرهای ابهام» است که با هر سوال روشن تر می شود و در نهایت، «خورشید حقیقت» را در دل تاریکی های شبهه ها آشکار می کند. این تبادل ها نه تنها باعث شادابی فکری و سیاسی می شود، بلکه می تواند جامعه را به سوی مسیر درست هدایت کند. اگر این آگاهی ها در دانشگاه ها محقق شود، تأثیرات مثبتی در جامعه خواهد داشت و ما می توانیم به سوی آینده ای روشن تر حرکت کنیم. این تجربه ها به ما یادآوری می کنند که وظیفه ما به



عنوان معلمان و پژوهشگران، ایجاد بستر مناسبی برای این گفتگوها و مکالمات است. باید به دیگران آگاهی ببخشیم و جامعه را به سوی آینده‌ای روشن‌تر هدایت کنیم. همان‌طور که "نسیمی آرام بر گوش‌ها می‌نشیند"، آگاهی‌ها و دانش ما نیز باید به آرامی و با دقت به گوش جامعه برسد.

رسانه‌ها، چاشنی آگاهی در آشپزخانه بحران

مشاهدات ما نشان می‌دهد که صدا و سیما و امثالش توانسته‌اند تا حدودی بحران، رنج و مظلومیت این مناطق را به تصویر بکشند و چهره حق و باطل را ترسیم کنند. با این حال، پژوهش‌های رسانه‌های غیردولتی نشان می‌دهند که نیاز به تلاش بیشتری در این زمینه وجود دارد؛ دانشگاه‌ها و اساتید می‌توانند در این زمینه پیش‌قدم شوند و با پژوهش‌های لازم، آگاهی‌بخشی کنند. اگر این اقدامات در سایر رسانه‌های جمعی که عرصه تأثیرگذاری کمتری دارند، انجام شود، تأثیرات مثبتی بر جامعه خواهد داشت. رسانه‌های عمومی و غیردولتی می‌توانند با همکاری دانشگاه‌ها و پژوهشگران، این آگاهی‌بخشی را به جامعه تسری دهند و جهت‌گیری مثبت را هم تقویت کنند.

دانشگاه‌ها: ابرقهرمانان بازسازی و توسعه

در زمانه‌ای پر از گرد و خاک و آوار، گروهی از دانشگاهیان با نقاب‌های ابرقهرمانانه در میدان بحران حضور می‌یابند. اینجا جایی است که مبارزه با نابودی و بازسازی آغاز می‌شود. آن‌ها با برنامه‌ها و پژوهش‌های دقیق به کمک می‌آیند، مثل اینکه از دفترچه‌ای جادویی دستورالعمل‌های بازسازی را می‌خوانند. گروه‌های جهادی بخشی از این کار هستند و می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. تبلیغاتی که دانشگاه می‌تواند انجام دهد نیز بسیار مهم است و در واقع، دانشگاه‌ها می‌توانند خود به عنوان پایگاه‌های ارتباطی بین مردم و مناطق آسیب‌دیده عمل کنند. این دانشجویان هستند که با انگیزه و شور به سوی مناطق آسیب‌دیده حرکت می‌کنند. هر کدام از آن‌ها به مانند سربازانی آموزش‌دیده، آماده برای مقابله با چالش‌های بازسازی هستند. "ما برای این لحظه تربیت شده‌ایم، حالا وقت عمل است!" باید به دانشجویان این ارزش‌ها را انتقال دهیم. یادتان نرود، ما دانشگاهیان، ابرقهرمانان زمان خود هستیم. با دانش و آگاهی، هر ویرانه‌ای را می‌سازیم و هر چالشی را پشت سر می‌گذاریم.

زینب غلامی

قهرمان بی‌صدا، آرام در دل تاریخ

شهیدان زنده‌اند الله‌اکبر، به خون خفته اند اما زنده‌تر.

شهید عباس نیلفروشان، سرتیپ پاسدار و مستشار نظامی ایران، در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ در بیروت لبنان به شهادت رسید. مراسم تشییع جنازه ایشان با حضور گسترده مردم و مقامات نظامی و سیاسی جلوه‌ای زیبا از اقتدار را به نمایش گذاشت. پیکر مطهرشان هم پس از تشییع در لبنان، کربلا، تهران، قم و مشهد، به اصفهان منتقل شد تا در زادگاهش به خاک سپرده شود و در کنار یاران قدیمی‌اش آرام بگیرد! البته اگر بعد از دیدن اینکه چه‌ها خواهد شد آرام بگیرد. حضرت آقا در سخنرانی‌هایشان درباره شهید نیلفروشان، از شجاعت و فداکاری‌هایش گرفته تا حضور فعال در دفاع از اسلام و امنیت کشور تقدیر کردند. همچنان، شهید نیلفروشان را یکی از سرداران بزرگ و استراتژیست‌های قوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دانستند که هم در



در تاکتیک و هم در عملیات نظامی توانمند بود. این است رسمِ درستِ زندگی. باشی، بمانی، درد زیرپوستت رشد کند و تو باشی درمانِ همهٔ درد-های خودت. فردی باشی شبیه نیلفروشان، همینقدر آرام، ساده و بدون سر و صدا. مشق و تکلیفِ دلت گره بخورد به جهاد در راه خدا و پایان بیابی با یک لبخند از سید و سالار شهیدان هنگام خداحافظی از تمام بدی، خوبی های این دنیا.

شهید عباس نیلفروشان با رشادت‌ها و فداکاری‌های بی‌نظیرش در میدان نبرد، نماد شجاعت و ازخودگذشتگی بود. از همان دوران نوجوانی که به جبهه‌های جنگ ایران و عراق پیوست، با تمام وجود در راه دفاع از کشور و اسلام تلاش کرد. او در عملیات‌های مختلف نقش‌آفرینی و با فرماندهی هوشمندانه‌اش، موفقیت‌های زیادی را برای نیروهای سپاه پاسداران به ارمغان آورد. او به عنوان یک استراتژیست قوی و تاکتیسین ماهر شناخته می‌شد و با رشادت و بینش نظامی خود توانست در مأموریت‌های مهم منطقه‌ای نیز مؤثر باشد. شهادت ایشان در بیروت و پس از سال‌ها خدمت صادقانه و شجاعانه، تجلی دیگری از ایثار و تعهد او به انقلاب و اسلام بود. یاد و خاطرهٔ این شهید بزرگوار همچون شعله‌ای فروزان، همواره در دل‌های مردم ایران زنده خواهد ماند و رشادت‌های او الگویی برای نسل‌های آینده خواهد بود. روحش شاد و راهش پررهرو باد. باشد که لبخند سید و سالار شهیدان، آرامشی ابدی برای او به ارمغان آورد و نامش همچون خورشیدی فروزان، در تاریخ ایران جاودانه بماند و تو را یاد می‌کنیم در کوچه‌های تاریک و سرد، نامت همچون آتشی روشن در دل‌های منجمد، گرما می‌دهد، و تو را به خاطر می‌آوریم، در زمانی که زمین تشنه‌ی قطره‌ای از شجاعت توست شهید، تو همچون پرتویی در دل تاریکی‌ها راه را نشان می‌دهی، روحش شاد و نامت جاودان، ای قهرمان بی‌صدا، که آرام در دل تاریخ به خواب می‌روی.

عالیه اویسی کهخا

افسانه‌های فلسطین: نقدی بر کتاب "ده غلط مشهور اسرائیل"

بخش اول: (افسانهٔ فلسطین، سرزمین بدون ملت): در این بخش نویسنده تصویر اینکه فلسطین سرزمینی بایر بوده و صهیونیست‌ها آن را آباد کرده اند، به چالش می‌کشد. صهیونیست‌ها آغازگر جنگ بوده‌اند و جنگ منجر به ویرانی شده است.

بخش دوم: (افسانهٔ یهود، ملت بدون سرزمین): این افسانه دوقلو و مشهور است که یهودیان ملت بدون سرزمین هستند. یهودیانی که سال ۱۸۸۲ وارد فلسطین شدند، از ریشهٔ همان یهودیانی هستند که رومی‌ها حوالی سال ۷۰ میلادی آن‌ها را از آنجا بیرون کردند. اما پژوهش‌های علمی نشان داده است که یهودیان فلسطین و رم در همان سرزمین به مسیحیت تغییر کیش دادند و سپس مسلمان شدند.

بخش سوم: (صهیونیسم و یهودیت): این فصل به بررسی دقیق‌تر افسانه‌ای می‌پردازد که صهیونیسم را با یهودیت یکسان می‌گیرد. در این صورت، صهیونیست‌ستیزی همان یهودستیزی است؛ که البته باید بیان کنم این افسانه به دلایلی که قبل تر گفتم، صحیح نیست.

بخش چهارم: (استعمارگری و صهیونیسم): این فصل به ادعای ارتباط بین استعمارگری و صهیونیسم می‌پردازد و نشان می‌دهد که این ارتباط چگونه شکل گرفته است.

بخش پنجم: (افسانه مهاجرت داوطلبانه فلسطینی ها): نویسنده ادعا می‌کند که فلسطینی‌ها به صورت داوطلبانه مهاجرت کرده‌اند، اما این ادعا با تاریخ پژوهش حرفه‌ای کاملاً رد شده است. بهتر بود نویسنده به جای تکرار افسانه‌ها، به تحلیل دقیق تری از شرایط تاریخی و اجتماعی آن دوران می‌پرداخت.

کتاب "ده غلط مشهور اسرائیل" با تحلیل‌های دقیق و علمی، به بررسی و نقد افسانه‌های رایج در مورد فلسطین و صهیونیسم می‌پردازد و تلاش می‌کند تا واقعیت‌ها را روشن کند. این کتاب می‌تواند برای دانشجویان و پژوهشگران مفید باشد، به شرطی که نقدهای وارده را مد نظر قرار دهند و با دیدی باز به مطالعه آن بپردازند. در ادامه شما می‌توانید بخشی از کتاب را مطالعه کنید: «تاریخ در مرکز و هستهٔ هر درگیری قرار دارد؛ فهم صحیح و بی‌طرفانه از گذشته امکان رسیدن به صلح را فراهم می‌آورد. مغالطه‌های ساخته شده درباره گذشته و آینده در اسرائیل و فلسطین مانع آن می‌شود، تا ما اصل و ریشهٔ این درگیری را بفهمیم، این کج فهمی عمدهٔ تاریخ می‌تواند ظلم و بیداد را تقویت و رژیم استعمارگر را محافظت کند. جالب است بگویم، نخبگان سیاسی غرب این افسانه‌های غیر واقعی را به عنوان حقایق مشخص به عنوان توجیهی برای رفتارهای اسرائیل می‌پذیرند معمولاً پذیرش ضمنی این افسانه‌های غیر واقعی توضیح و تفسیری برای بی‌رغبتی حکومت‌های غربی جهت هرگونه مداخلهٔ معنادار در این درگیری به کار می‌رود، با قرار دادن هر کدام از افسانه‌ها در کنار حقیقت با محک آخرین تحقیقات تاریخی نقاط ضعف باورهای پذیرفته شده توسط عموم را نمایان می‌کند.» در این بخش، به نقد و بررسی کتاب "ده غلط مشهور اسرائیل" پرداخته‌ام. این کتاب به بررسی و تحلیل افسانه‌ها و اشتباهات رایج در مورد فلسطین و صهیونیسم می‌پردازد. کتاب شامل چندین فصل است که هر کدام به یکی از این افسانه‌ها پرداخته که در ادامه هر کدام را مورد بررسی قرار داده‌ام:

بخش ششم (آیا اسرائیل مجبور به جنگ ۱۹۶۷ شد؟): در این فصل، نویسنده به بررسی این سوال می‌پردازد که آیا اسرائیل مجبور به جنگ ۱۹۶۷ شد و آیا این جنگ تنها گزینه بود یا نه. هرچند این سوال مهم است، اما تحلیل نویسنده نیاز به عمق بیشتری دارد تا بتوان به یک نتیجه‌گیری قطعی رسید.

بخش هفتم: (دموکراتیک بودن اسرائیل): این فصل به بررسی این افسانه می‌پردازد که آیا اسرائیل یک کشور دموکراتیک است یا یک موجودیت غیر دموکراتیک. نقدی که به این فصل وارد است، نبود تحلیل دقیق و جامع از نظام سیاسی اسرائیل و شرایط داخلی آن است. بهتر بود نویسنده به جزئیات بیشتری پرداخته و مستندات بیشتری ارائه می‌داد.

فصل هشتم: (بررسی قطعنامه اسلو): در این فصل، نویسنده به بررسی قطعنامه اسلو پرداخته و با توجه به مغالطه‌ها، این سوال را مطرح می‌کند که آیا این توافقنامه یک توافق صلح‌آمیز بود که به شکست انجامید یا اقدامی اسرائیلی برای تعمیق اشغالگری. همچنین در این میان، باریکه غزه و افسانه‌هایش می‌گوید فقر و فلاکت مردم غزه ناشی از ماهیت تروریستی حماس است.!!!!

کلام آخر

کتاب "ده غلط مشهور اسرائیل" به قلم نویسنده‌ای که از جمله پژوهشگران برجسته و منتقدان ماهر است، به تحلیل‌های دقیق و علمی پرداخته و افسانه‌های رایج در مورد فلسطین و صهیونیسم را بررسی و نقد می‌کند. نویسنده با دقت و دانش فراوان، تلاش کرده است تا واقعیت‌ها را آشکار سازد و مخاطبان را به تفکر وادارد. "هیچ حقیقتی در سایه پنهان نمی‌ماند؛ فقط کافیت که نور دانش بر آن بتابد." - این جمله نشان‌دهنده نگاه نویسنده به حقیقت‌جویی و تلاش برای آشکار کردن واقعیت‌هاست. به عنوان یک منتقد، با نگاهی باز و انتقادی به کتاب نگریده‌ام و حالا شما را دعوت می‌کنم تا خودتان این کتاب را مطالعه کرده و به بررسی و نقد آن بپردازید. همچنین، از تمامی خوانندگان دعوت می‌شود تا نظرات و نقدهای خود را تا پایان ماه آینده به ایمیل نشریه ارسال کنند. بهترین نقدها در مسابقه «نقد و بررسی» شرکت داده شده و به برندگان جوایزی اهدا خواهد شد.

مهديه اسدی

"لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ"

تو هستی دستِ خدا

هر کجا اسم از کمک و دستگیری مردم بی پناه و مظلوم فلسطین باشد؛ مردم دلسوز و آزاده ایران در این صف پیش قدم هستند. در روزگاری که بیشتر کشورهای غربی در حال تأمین تسلیحات نیروهای نظامی اسرائیل هستند؛ پویش ایران همدل در لیبیک به ندای مقام معظم رهبری در کمک و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و لبنان در صدد برآمده است تا کمک‌های مردمی و مشارکت‌های نقدی ملت غیور ایران را به دست نیازمندان فلسطینی و لبنانی برساند. به قول بزرگترها، «خدا یک در هزار؛ عاقبت بدهد، که هستی پناه انسان‌های بی پناه» می‌گفت: خدا نزدیک می‌کند قلب بنده‌های خوبش را به هم. پیدا می‌کنی روح خودت را در قلب یک کودک در شهرهای فلسطین پر خطر. بهم می‌دوی تکه پارچه‌های این درد مزمن بدون درمان را. شاید التیام پیدا کند روح در قلب دخترک، هنگام فرار از این قتلگاه. این شده که اسمش را گذاشتند، **پویش ایران همدل**، یک قلب که میانه شده بین ایران و فلسطین. این پویش تا پیش از تهاجم سراسری رژیم سفاک و خون خوار صهیونیستی به غزه، کرانه باختری و لبنان، تمام انرژی و منابعش را صرف کمک به مردم بی بضاعت کشورمان می‌کرد؛ اما از یک سال پیش به عمق و گستره خدمات رسانی اش افزوده و کمک به مردم زجرکشیده فلسطین و لبنان را به شمار خدماتش اضافه کرد. این حرکت زیبا و انسان دوستانه نشان از این دارد که هموطنان ما، مردمانی از جنس جهاد و فداکاری اند. آن‌ها که با هم همدل و هم صدا شده‌اند تا از این طریق با کمک به آوارگان لبنان و فلسطین نام خود را در یاوران مؤثر جبهه مقاومت ثبت کنند. مشارکت مؤمنانه خیران و دلسوزان کشورمان در این میدان؛ ما را به یاد حال و هوای دفاع مقدس می‌اندازد. همه ما دیده یا شنیده ایم که آن زمان، مردان و زنان غیور ما از جان و مال خود مایه گذاشتند و خاطرات به یاد ماندنی فراوانی را خلق کردند نمونه‌ای از این فداکاری‌ها حضور بانوان شجاع و با شهامت ایرانی و نقش پشتیبانی آن‌ها در پشت جبهه‌هاست؛ که در کنار سایر مجاهدات‌هایشان برای کمک به جبهه، انگو از دست و گوشواره از گوش باز می‌کردند. این‌ها را گفتم تا به این برسیم، که در این بحبوحه، نیز یکی از تشکلهای مردمی در ایران به ندای یاری مردم بی پناه و آواره فلسطین و لبنان لیبیک گفتند؛ محفلی بود مادرانه؛ برای جمع آوری پول و طلا برای مردم غزه. گویی تاریخ باری دیگر تکرار می‌شود؛ اما این بار در گستره‌ای وسیع، نگاهی مهربانانه، دست نوازشی گرم و شجاعتی بی مثال تر، از زمانی که دور جدید حملات وحشیانه اسرائیل در غزه به تلافی شکست در عملیات طوفان الاقصی شروع شد، انگار شیپور آن مأموریت موعود هم برای مردم ایران به صدا در آمد. هرچه آتش جنایات رژیم کودک کش تند تر، عطش ایرانی‌ها هم برای کمک به مردم محاصره شده غزه بیشتر. باز شدن راه ارسال کمک‌های نقدی به غزه، همان روزنه امیدی است که همه دنبالش بودیم. از همان وقت، هنگام امتحان برای ملت ایران مهیا شد و در این جمع، پرچم افتخار در دستان بانوان غیرتمند ایران قرار گرفت؛ همان شیرزنانی که با الگو گرفتن از مادران خود در ایام دفاع مقدس، از طلاهای روز مبادایشان برای

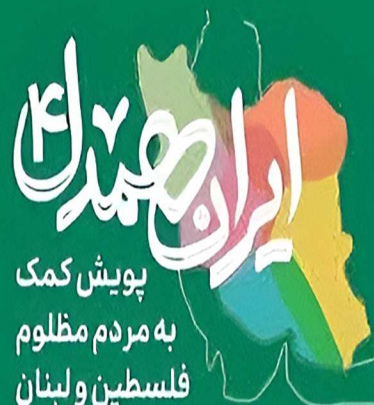
کمک به مادران داغدار غزه گذشتند و نام خود را در لشکر زنان مجاهد جبهه مقاومت ثبت کردند. گاهی فکر می‌کنم؛ چی دیدن توی این زندگی که به راحتی گذشتن از طلاهاشون؟ تکلیف زورکی که نبود؛ مشقِ بابا آب داد هم که نبود. اگه طلاها رو بدی، بیست می‌گیری هم که نبود. گمان می‌کنم؛ دستِ پر مهر حضرت زهرا (س) روی قلبِ مادرهامون کشیده شد.

یادمان نرود الان که هر کس یک طوری آمده وسط میدان، وقتِ نشان دادنِ حضورِ ماست. وظیفه ما دانشجویان نیز ضمن پیوستن به این پویش، آگاه کردن و تشویق دیگر مردم برای حضور و نقش آفرینی در این حرکت عظیم است. بر همه ما واجب است دستور مقام معظم رهبری را اجرا کنیم؛ و با کمک و جهاد مالی خود مشقت محکمی بر دهان استکبار جهانی و رژیم غاصب صهیونیستی بزنیم. ایران، ستاره همدلی با ملتی مظلوم اما مقتدر است. اسرائیل هر غلطی از دستش بر می‌آید می‌کند، آمریکا هم پشتیبانی می‌کند، اروپا هم پشتیبانی می‌کند. اما فلسطین هم مظلوم است و هم مقتدر است. ناگفته نماند، با اینکه در دل هایمان برای شهید مقاومت سید حسن نصرالله عزّا داریم اما امید داریم که روزی حزب الله پیروز خواهد شد و ان شاءالله وعده های صادقی که امام و حضرت آقا به همه داده اند محقق می شود. ما نیز با کمک هایمان باید زمینه ساز این پیروزی باشیم. این جمله را یادمان نرود که گاهی خدا می خواهد با دست تو دست دیگر بندگان را بگیرد. **وقتی دستی را به یاری می‌گیری، بدان که دست دیگری در دستِ خداست.**

irane_hamdel

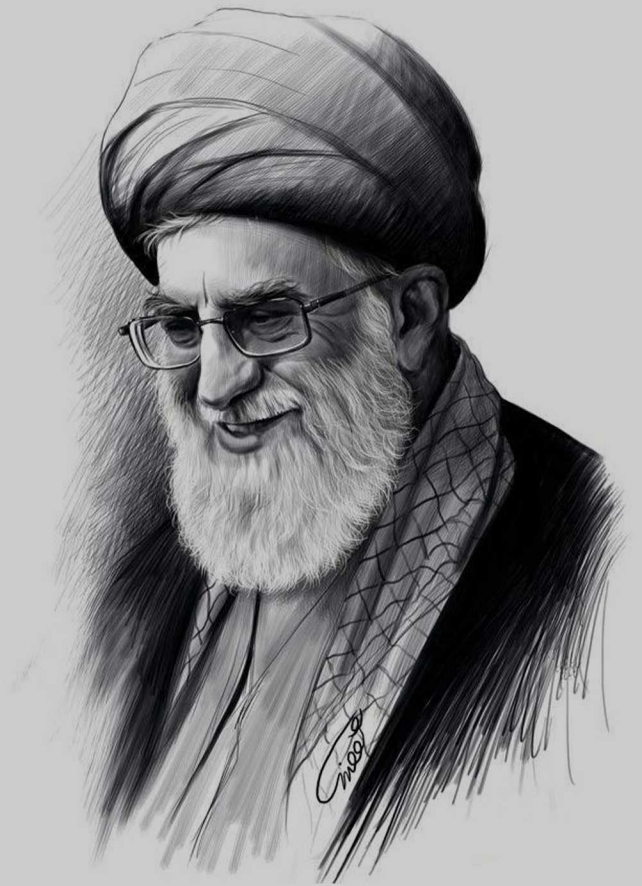
باشماره‌گیری #۱۴* ویاواریزبه شماره‌کارت

۶۰۳۷-۹۹۸۲-۰۰۰۰-۰۰۰۷



**As the page of history
is turning' you are
standing on the right
side of it.**

Imam Khamenei | 2024-5-25



**Dedicated section for English
speaking audience**

**The Reality in Palestine:
A Detailed Report**

Reporter: Negin Poodineh

In this section of the special issue, we present profound and impactful reports on the lives of the Palestinian people. In this report, with hearts filled with sorrow, we recount the stories of Palestinian children who have been forgotten in the shadow of life's hardships.

The Reality in Palestine: A Detailed Report

Over the past decades, Palestine has witnessed one of the greatest human tragedies. According to official statistics, more than 100,000 Palestinians have lost their lives during this period. This horrifying statistic highlights the depth of the crisis and the violence faced by the people in this region. Innocent little girls who have been left far from their nests, in this valley of confusion, where humanity's way of looking has been lost and without shelter. These wars and violence have deeply affected the lives of the Palestinian people. Many families have lost their homes and are forced to live in extremely harsh and unsuitable conditions. The economy of Palestine has also been severely damaged, with many people lacking access to basic life necessities. Despite all these problems and hardships, the people of Palestine continue to resist and fight for their rights. I am ashamed of a little girl who carried her younger brother on her back and took care of him until they reached the hospital. In the 2024 era, children are the role models of our sleeping conscience. This poem constantly whispers in my mind:



"If a strong wind arises, The unripe quince is cast to the ground. We call the oppressor, just if he is skilled, And the unskilled, if death is just, why is there so much outcry against justice." From hours to minutes and from minutes to seconds, 2024 is different; Yes! It is correct! 2024 is not just a four-digit number but a thousand digits of our inhumanity, the silent ones! The ongoing tragedy in Palestine is a vivid reminder of the deep-seated issues and the relentless struggle of the Palestinian people. It calls upon our humanity and conscience to reflect on our role and actions in addressing this crisis. Let this report serve as a wake-up call to support and stand in solidarity with the people of Palestine, and to strive for a world where justice and peace prevail.

هدی

نشریه الکترونیکی هدی
سیاسی-فرهنگی
دانشگاه فرهنگیان
استان سیستان و
بلوچستان

ارتباط با ما:

سروش | @nashrieh_hoda
nashrieh.hoda۱۴۰۳@gmail.com